



University of Tehran Press

The position of the pillar "Loss and Damage" in the UNFCCC negotiations and the impact of domestic (in developed and underdeveloped countries) and international lawsuits on it

Zahra Vatani¹ | Masoumeh Zamanian²

1. Department of Jurisprudence and Law, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Email: vatani@ri-khomeini.ac.ir
2. Corresponding Author; Department of International Law, Faculty of Law, Payam Noor University, South Tehran branch, Tehran, Iran. Email: m.zamanian@student.alzahra.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2023/01/09</p> <p>Received in revised form: 2023/06/26</p> <p>Accepted: 2023/05/12</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <p>Keywords: UNFCCC, pollution reduction, environmental adaptation, climate change, climate damage, climate compensation financing.</p>	<p>As the United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC) negotiations have failed to provide adequate protection to climate victims, vulnerable countries as well as non-governmental organizations are actively exploring legal avenues for relief. Bringing resources to compensate for the "Loss and Damage" and in this way, they consider the lawsuits as the reason for directing the UNFCCC negotiations towards predicting and stipulating the resources of this compensation. Emphasizing the necessity of the international community's support for climate damage caused by climate manipulation, especially the damage caused to vulnerable and less developed countries, this article aims to prove the impact of Loss and Damage claims on the UNFCCC negotiations and in a descriptive and analytical way, to examine the viewpoints of the proponents. and the opponents of this idea and their reasons, as well as the elements and institutions effective in this matter, such as non-governmental organizations and legal networks, finally proves that despite the fact that the mechanism of lawsuits for liability and compensation for climate harms is still in a not very advanced stage, but as a legal way it has a significant capacity to guide the UNFCCC negotiations on the issue of losses and damages, especially the need to "new and additional financial resources" on the two pillars of mitigation and adaptation by the UNFCCC.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Vatani, Zahra; Zamanian, Masoumeh (2024). The position of the pillar "Loss and Damage" in the UNFCCC negotiations and the impact of domestic (in developed and underdeveloped countries) and international lawsuits on it. <i>Comparative Law Review</i>, 15 (1), 1-39. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.351816.634466</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jcl.2023.353664.634462</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press</p>





جایگاه رکن «ضرر و زیان» در مذاکرات کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییر آب و هوا (UNFCCC) و تأثیر طرح دعاوی قضایی داخلی (در کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته) و بین المللی بر آن

زهرا وطنی^۱ | معصومه زمانیان^۲

۱. گروه ققه و حقوق پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: vatani@ri-khomeini.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

رایانامه: m.zamanian@student.alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: UNFCCC آسیب‌های اقلیمی، تأمین مالی غرامات اقلیمی، تغییرات اقلیمی، سازگاری زیست‌محیطی، کاهش آلودگی.</p>	<p>از آنجایی که مذاکرات کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی (UNFCCC) در ارائه حمایت کافی از قربانیان آب و هوا شکست خورده است، کشورهای آسیب‌پذیر و نیز سازمان‌های غیردولتی با جدیت در حال بررسی راه‌های قانونی برای به دست آوردن منابعی جهت جبران «ضرر و زیان» وارده هستند و در این مسیر طرح دعاوی قضایی را عامل هدایتگری مذاکرات UNFCCC به سمت پیش‌بینی و مقرر داشتن منابع این جبران می‌دانند. این مقاله با تأکید بر ضرورت حمایت جامعه بین‌الملل از آسیب‌های اقلیمی ناشی از دست‌کاری در آب و هوا، به ویژه آسیب‌های وارده بر کشورهای آسیب‌پذیر و کمتر توسعه یافته، با هدف اثبات تأثیر دعاوی ضرر و زیان بر مذاکرات UNFCCC و به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این ایده و دلایل آنها و نیز عناصر و نهادهای مؤثر در این قضیه همچون سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های دعاوی حقوقی می‌پردازد و در نهایت اثبات می‌کند که علی‌رغم این واقعیت که سازوکار طرح دعوی قضایی مسئولیت و جبران خسارت‌های آب و هوایی هنوز در مراحل نه‌چندان پیشرفته است، اما به‌عنوان راهی قانونی دارای ظرفیت قابل توجهی برای هدایت مذاکرات UNFCCC در موضوع ضرر و زیان، به ویژه لزوم «تعیین منابع مالی جدید و اضافه» بر دور رکن کاهش و سازگاری از سوی UNFCCC است.</p>
استناد	<p>زمانیان، معصومه؛ وطنی، زهرا (۱۴۰۳). جایگاه رکن «ضرر و زیان» در مذاکرات کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییر آب و هوا (UNFCCC) و تأثیر طرح دعاوی قضایی داخلی (در کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته) و بین‌المللی بر آن. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۵ (۱)، ۱-۳۹.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.353664.634462</p>
DOI	10.22059/jcl.2023.353664.634462
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در حالی که عده‌ای از پذیرش توافقنامه پاریس^۱ در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان پیروزی برای چندجانبه‌گرایی^۲ در حاکمیت آب و هوا استقبال کردند (Fabius, 2016)، برخی دیگر اهداف این معاهده را نماد شکست مواجهه جمعی با تغییرات آب و هوایی جهانی دانستند. در اجلاس اقدام اقلیمی سپتامبر ۲۰۱۹، گرتا تونبرگ^۳ با انتقاد از رهبران دنیا به دلیل اهمال در مبارزه با تغییرات اقلیمی اعلام کرد: «شما در انجام وظایفتان قصور می‌کنید و اگر انتخابات نابدی ما باشد، شما را نخواهیم بخشید و اجازه نمی‌دهیم اقدامات بدون مجازات بماند» (Milman, 2019). مطالعات میدانی نشان می‌دهد مذاکرات آب و هوا در کشورهای توسعه‌یافته روال کند و بلندپروازانه‌ای را طی می‌کند و در مقابل، کشورهای آسیب‌پذیر، سازمان‌های جامعه مدنی، وکلا و جوامع آسیب‌دیده به‌طور جدی در پی یافتن راهکارهایی برای پاسخگو نمودن دولت‌ها و شرکت‌های مرتبط در قبال بحران آب و هوا هستند.

در مباحث مربوط به تغییرات آب و هوایی که در چهار دسته کلی «کاهش»^۴، «سازگاری»^۵، «تأمین مالی» و «ضرر و زیان» مطرح می‌شود، هیچ موضوعی به اندازه رسیدگی به «ضرر و زیان» چالش‌برانگیز

۱. توافقنامه پاریس که در بیست و یکمین کنفرانس اعضا (COP) (21st Conference of the Parties) کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر اقلیم (آب و هوا) (UNFCCC) در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید، سه رکن کلیدی اقدامات آب و هوایی را ایجاد کرد: کاهش (Mitigation)، سازگاری (Adaptation) و تأمین مالی (Financing). رکن چهارم، ضرر و زیان (Loss and Damage) (در ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس و بند ۵۲ تصمیمات پاریس مورد توجه قرار گرفته و فقط در اجلاس گلاسگو به تشریح و اجرایی نمودن آن پرداخته شده است؛ بنابراین یکی از ارکان کلیدی پاریس است)، در توافقنامه COP26 در سال ۲۰۲۱ گنجانده شد. هر کدام از این موارد چهارگانه به‌عنوان مقیاسی متفاوت باید برای رسیدگی به تأثیرات به سرعت در حال افزایش و متمایز تغییرات آب و هوا، مدنظر قرار گیرد (زمانیان و همکاران، ۱۴۰۱).

۲. چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل به معنای ائتلاف چند کشور برای پیشبرد یک هدف مشترک است.

۳. Greta Tintin Eleonora Ernman Thunberg، با تلفظ انگلیسی گرتا تونبرگ (زاده ۳ ژانویه ۲۰۰۳) فعال محیط زیست سوئدی است که به دلیل فعالیت برای آگاه‌سازی جهانی در مورد خطرهای ناشی از تغییرات اقلیمی، و با سؤال از سیاستمداران برای پاسخگویی به عدم اقدامشان در مورد بحران آب و هوا، مشهور است. در اوت ۲۰۱۸، هنگامی که گرتا ۱۵ ساله بود اعتصاب کرد و مدرسه را ترک کرد و در خارج از پارلمان سوئد، تابلویی را در دست گرفت که خواستار اقدام شدیدتر در زمینه اقلیم شد. در ماه مه ۲۰۱۹، مجله تایم روی جلد خود، وی را به‌عنوان «رهبر نسل بعدی» معرفی و خاطر نشان کرد که بسیاری او را یک الگو شخصیت الهام‌بخش می‌دانند. گرتا تونبرگ و جنبش اعتصاب مدرسه‌ای همچنین نیز در یک فیلم شبه‌مستند ۳۰ دقیقه‌ای با عنوان «جهان را دوباره گرتا کنیم» مطرح شدند. برخی رسانه‌ها تأثیر وی در صحنه جهانی را «ثر گرتا تونبرگ» توصیف کرده‌اند.

4. Mitigation

5. Adaptation

نیست. اگرچه هیچ تعریف توافقی شده‌ای برای «دعوی ضرر و زیان» وجود ندارد، اما می‌توان از آن به‌عنوان «درخواست رفع آثار منفی بالفعل یا بالقوه تغییرات آب و هوایی بر انسان و سیستم‌های طبیعی» یاد کرد^۱ که بسیاری معتقدند این تأثیرات از طریق دعوی «کاهش» و «سازگاری» قابل جبران نیست (Verheyen, et al. 2008). این خسارت‌ها ممکن است ناشی از رویدادهای شدید آب و هوایی مانند طوفان و سیل و یا رویدادهایی با روال کند مانند افزایش سطح دریا و بیابان‌زدایی باشد. هرچند در توافق پاریس «ضرر و زیان» به‌عنوان یک عنصر اصلی در کنار کاهش و سازگاری در واکنش بین‌المللی به تغییرات آب و هوایی شناخته شده است، اما در عمل هم این اقدامات و حمایت‌های مکانیسم بین‌المللی ورشو (WIM)^۲، هدف جبران خسارت‌های ناشی از تغییرات آب و هوا برای محافظت از مردم در مقابل آسیب‌دیدگی را تأمین نکرده و بسیار ناچیز بوده است. تمهیدات مالی بین‌المللی نیز تا به امروز به پرداخت هزینه‌ای برای کمک به قربانیان تغییرات آب و هوایی منجر نشده است. این رخداد در حالی است که سندهای مشارکت تعیین‌شده ملی (NDCs) کشورها، درجه گرمایش قابل پذیرش در تغییرات آب و هوایی را بالاتر از عدد تعیین‌شده در اسناد بین‌المللی (۱/۵ درجه سانتیگراد) و به میزان ۳ درجه سانتیگراد یا بالاتر دانسته‌اند^۳ و بدیهی است چنین تصمیمی تا حد زیادی درصدد تحقق مصادیق ضرر بوده و

1. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC) 'A Literature Review on the Topics in the Context of Thematic Area 2 of the Work Programme on Loss and Damage: A Range of Approaches to Address Loss and Damage Associated with the Adverse Effects of Climate Change' UN Doc FCCC/SBI/2012/INF.14 (15 November 2012) 2.

۲. Warsaw International Mechanism for Loss and Damage associated with Climate Change Impacts.

(WIM)؛ مکانیسم بین‌المللی ورشو برای ضرر و زیان مرتبط با تأثیرات تغییر آب و هوا (WIM)؛ COP19 (نوامبر ۲۰۱۳) در ورشو لهستان، مکانیسم بین‌المللی ورشو را برای ضرر و زیان مرتبط با تأثیرات تغییر آب و هوا (مکانیسم ضرر و زیان) تصویب کرد که وظیفه آن رسیدگی به ضرر و زیان‌های مرتبط با تأثیرات تغییرات آب و هوایی از جمله رویدادهای شدید آب و هوایی و رویدادهای با شروع آهسته، در کشورهای در حال توسعه که به‌ویژه در برابر آثار نامطلوب تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیر هستند. هدف این مکانیسم ارائه راهکارهای رسیدگی به ضرر و زیان‌های مرتبط با آثار نامطلوب تغییرات آب و هوایی است که در تصمیم CP.18/3 و نیز CP.19/2 بیان شده است. در COP19 به صورت جامع، یکپارچه و منسجم وظایف زیر برای این مکانیسم تعیین شده است: ۱. افزایش دانش و درک رویکردهای مدیریت ریسک جامع برای رسیدگی به ضرر و زیان‌های مرتبط با تأثیرات نامطلوب تغییرات آب و هوایی، از جمله تأثیرات آهسته شروع، با تسهیل و ترویج در این زمینه؛ ۲. تقویت گفتگو، هماهنگی، انسجام و هم‌افزایی بین ذی‌نفعان مربوطه؛ ۳. افزایش اقدامات و پشتیبانی، از جمله مالی، فناوری و ظرفیت‌سازی، برای رسیدگی به ضرر و زیان‌های مرتبط.

<https://unfccc.int/topics/adaptation-and-resilience/workstreams/loss-and-damage/warsaw-international-mechanism#:~:text=The%20COP%20established%20the%20Warsaw,that%20are%20particularly%20vulnerable%20to>

3. United Nations Environment Programme (UNEP), The Emissions Gap Report 2019 (UNEP 2019) ix.

در نتیجه امکان طرح دعوا و مطالبه خسارت را کاسته و بسیاری افراد را (علی‌رغم متضرر شدن) به لحاظ قانونی از دسته زیان‌دیدگان از تغییرات آب و هوا خارج کرده و سبب کاهش مطالبات شده است. البته پس از انعقاد توافقنامه پاریس، دعاوی حقوقی تغییرات آب و هوا افزایش چشمگیری داشته است. این افزایش در همه پرونده‌های دادگاه در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، شکایات و تحقیقات در کمیسیون‌های حقوق بشر و سایر نهادهای شبه‌قضایی که در آن تغییرات آب و هوا یکی از نگرانی‌های اصلی بوده، مشهود است. یکی از دلایل این امر را می‌توان چنین بیان کرد که دعاوی حقوقی آب و هوایی، ابزاری استراتژیک برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های نظام‌های حاکم و نیز رفتار اشخاص حقوقی، اعم از کارخانجات، شرکت‌های تولیدی و غیره تلقی می‌شود (Setzer, et al. 2019: 1).

در گزارش ویژه هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC)^۱ در مورد افزایش دمای ۱.۵ درجه سانتیگراد زمین، ضمن اشاره به مجموعه وسیعی از مباحث حقوقی، علاوه بر درخواست رسیدگی، درخواست پیشگیری از ضرر و زیان نیز مطرح شده است. همچنین در این گزارش روشن شده است که با پیشرفت و تکامل علم آب و هوا و همچنین درک بیشتر جهان از خطرها و آثار تغییرات آب و هوایی، ریسک دعاوی قضایی برای دولت‌ها و تجار افزایش می‌یابد (Roy, et al. 2018: 445, 456). البته ممکن است شکل‌دهی و صدور حکم نهایی در دعاوی بین‌المللی آب و هوا با توجه به سیاست‌های متفاوت کشورها بسیار دشوار باشد، زیرا در اغلب آنها تفکری در خصوص مقابله با تغییرات اقلیمی و رویکرد مثبتی نسبت به دعاوی اقلیمی وجود ندارد (Hunter, 2009: 373).

با توجه به رو به افزایش بودن دعاوی حقوقی تغییر اقلیم، جنبه‌های زیادی از این پدیده نیازمند تحقیق است که یکی از آنها نوع و میزان تأثیر طرح دعاوی حقوقی آب و هوا بر مذاکرات چندجانبه در مورد تغییرات اقلیمی است. این مقاله به‌طور انتقادی و با بهره‌گیری از تحلیل و تفسیر حقوقی وقایع پیشین، به اثبات اثرگذاری دعاوی قضایی بر مذاکرات بین‌المللی در خصوص ضرر و زیان ناشی از تغییرات آب و هوایی در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا (UNFCCC)^۲ می‌پردازد. پژوهش حاضر ادعاهای قانونی و دعاوی حقوقی در جریان یا مختومه و دیدگاه‌ها و کنش‌های ذی‌نفعان در این دعاوی را بررسی و احیاناً نقد می‌کند و به چالش می‌کشد. بر اساس این تحلیل، وجود ظرفیتی قابل توجه در هدایت سکان کشتی مذاکرات در مورد ضرر و زیان تحت UNFCCC برای دعاوی حقوقی آب و هوا اثبات می‌شود.

این تحقیق در بخش نخست با بررسی تاریخچه و وضعیت فعلی واکنش بین‌المللی به ادعاهای ضرر

1. Intergovernmental Panel on Climate Change

2. United Nations Framework Convention on Climate Change

و زیان تحت UNFCCC، به شناسایی موضوعات کلیدی مرتبط با دعاوی قضایی و سپس واکاوی تحولات این حوزه می‌پردازد. در قسمت دوم، بر اساس مواد قانونی و مباحث موجود در دعاوی حقوقی آب و هوا و مذاکرات UNFCCC، ارتباط این دو با یکدیگر تبیین و درنهایت توصیه‌هایی در جهت تقویت این پیوند و استفاده بهینه از آن ارائه می‌شود.

در قسمت موردپژوهی، اسناد اولیه مانند معاهدات، تصمیمات، لوایح ارسال، گزارش‌های رسمی، مقالات مطبوعات و روزنامه‌ها از حیث مباحث مطروحه و نحوه استدلال‌های ارائه شده در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا میزان و کیفیت تأثیر پرونده‌های دادگاه بر روند مذاکرات چندجانبه مشخص شود. بر همین اساس، موضوعات و پرونده‌های مورد پژوهش از ذی‌نفعان درگیر در فرایند چندجانبه ضرر و زیان در جریان نهمین نشست کمیته اجرایی WIM (فرایندی فرعی فنی تحت UNFCCC که وظیفه رسیدگی به موضوع آب و هوا از طریق جمع‌آوری اطلاعات، هماهنگی و ارتباطات و همچنین افزایش اقدامات و پشتیبانی را برعهده دارد)^۱ در آوریل ۲۰۱۹ و کنفرانس تغییرات آب و هوایی بُن (SB50)^۲، در ژوئن ۲۰۱۹ انتخاب شده‌اند. انتخاب این پرونده‌ها بر اساس ارتباط مستقیم آنها با سیاست‌های بین‌المللی مسئولیت‌پذیری و خسارات و یا مشارکت حرفه‌ای یا تخصص آکادمیک آنها در دعاوی مربوط به تغییرات آب و هوا بوده است و دادخواهان این پرونده‌ها، هم از گروه کشورهای پیشرفته‌اند و هم توسعه‌نیافته.

۲. آشنایی با دعاوی ضرر و زیان

۲.۱. سیاست بین‌المللی و رویکرد کشورهای پیشرفته و توسعه‌نیافته در مواجهه با دعاوی ضرر از

تغییرات آب و هوایی

محور ضرر و زیان موضوعی بود که در مقایسه با سایر موضوعات، دیرتر در بحث از متفرعات تغییرات اقلیمی ظاهر شد. UNFCCC از زمان آغاز به کار خود در سال ۱۹۹۰ عمدتاً بر کاهش گازهای گلخانه‌ای متمرکز بود و در سال ۲۰۰۷ سازگاری نیز به‌عنوان محوری اصلی در دستور کار آن گنجانده شد. نگرانی‌ها در مورد متفرعاتی از مسئله کلان تغییر آب و هوا که ذیل دو مبحث کاهش و سازگاری قابل پیگیری نبود، به‌ویژه از سوی کشورهای جزیره کوچک متحد (AOSIS)^۳ ابراز شد^۱ و در اواخر دهه ۲۰۰۰ نیز تلاش‌های

1. (Excom WIM) Executive Committee of the WIM.

2. Bonn Climate Change Conference

3. Alliance of Small Island States؛ اتحاد کشورهای جزیره کوچک (AOSIS) یک سازمان بین‌دولتی متشکل از کشورهای کم‌ارتفاع ساحلی و جزیره‌ای کوچک است. AOSIS در سال ۱۹۹۰ و قبل از دومین کنفرانس جهانی آب و هوا تأسیس شد. هدف اصلی این اتحاد، تحکیم صدای کشورهای درحال توسعه جزیره کوچک (SIDS) برای رسیدگی به گرمایش جهانی است. این کشورهای جزیره‌ای به‌ویژه در برابر تغییرات آب و هوایی و تأثیرات مرتبط با آن بر

تلاش‌های بزرگ‌ترین بلوک مذاکره‌کننده، یعنی کشورهای درحال توسعه (G77)^۲، گروه‌هایی از کشورهای آسیب‌پذیر از جمله AOSIS، گروه افریقایی و کشورهای LDC و برخی سازمان‌های غیردولتی اثبات کرد کنش‌های بین‌المللی در راستای دو محور کاهش و سازگاری، برای پیشگیری از آسیب یا جبران خسارات آسیب‌های وارده در بسیاری از نقاط جهان کافی نیست (Doelle, 2014: 35, 36; Hoffmaister, et al. 2014). محور «ضرر و زیان» برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ در برنامه اقدام بالی UNFCCC^۳، به‌عنوان یک اصطلاح رسمی مذاکره به رسمیت شناخته شد.^۴ در سال ۲۰۱۰ طرف‌های کنوانسیون دستور جلسه‌ای را در مورد این موضوع تنظیم کردند^۵ که در نهایت در سال ۲۰۱۳ از طریق WIM نهادینه شد.^۶ علاوه بر این، در کنفرانس دوره‌ای UNFCCC (COP) در پاریس در سال ۲۰۱۵، اعضا توافق کردند که ضرر و زیان را در یک ماده مستقل در موافقت‌نامه پاریس (ماده ۸) لحاظ کنند؛ البته با این اخطار که این معاهده نمی‌تواند اثبات‌کننده «مسئولیت» یا «لزوم پرداخت غرامت» باشد.^۷

تعریف و تنقیح حدود و ثغور ضرر و زیان در طول تاریخ UNFCCC، از دیدگاه‌های متضادی متأثر بوده که به ابهام تعریف فعلی آن منجر گشته است. در برخی مطالعات، چارچوب‌های مختلفی برای ضرر و زیان در اثر تغییرات آب و هوایی، تصویر و تحلیل شده است (Boyd, E. et al. 2017: 723; Vanhala, et al. 2016: 111) که در اینجا به جای بازتولید آنها، نزاع‌های کلیدی در دعاوی حقوقی

اقیانوس‌ها از جمله افزایش سطح دریا، فرسایش سواحل و نفوذ آب شور آسیب‌پذیر هستند. این اعضا از جمله کشورهای هستند که کمترین مسئولیت را در برابر تغییرات آب و هوایی دارند و کمتر از ۱ درصد در انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان نقش داشته‌اند. این کشورها از سیاست‌ها و مکانیسم‌های بین‌المللی برای رسیدگی به نابرابری تأثیرات آب‌وهوایی حمایت می‌کنند.

1. Draft annex relating to Article 23 (Insurance) for inclusion in the revised single text on elements relating to mechanisms' UN Doc A/AC.237/WG.II/Misc.13 (1991).
۲. گروه ۷۷ (G77) در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۴ و از سوی ۷۷ کشور درحال توسعه و امضاکننده اعلامیه گروه ۷۷ در پایان نخستین جلسه آنکتاد در شهر ژنو سوئیس تأسیس شد. مقر سازمان در نیویورک امریکا واقع شده است. این سازمان محفلی برای بیان و ارتقای منافع جمعی کشورهای درحال توسعه و افزایش قدرت مذاکره این کشورها در سازمان ملل متحد در زمینه مسائل اقتصادی و امکانی برای افزایش همکاری فنی و اقتصادی میان کشورهای یادشده است.
3. UNFCCC's Bali Action Plan
4. UNFCCC 'Decision 1/CP.13, Bali Action Plan' UN Doc FCCC/CP/2007/6/Add.1 (14 March 2008) para 1(c)(iii).
5. UNFCCC 'Decision 1/CP.16, The Cancun Agreements: Outcome of the work of the Ad Hoc Working Group on Long-term Cooperative Action under the Convention' UN Doc FCCC/CP/2010/7/Add.1 (15 March 2011) para 26.
6. UNFCCC 'Decision 2/CP.19, Warsaw International Mechanism for Loss and Damage Associated with Climate Change Impacts' UN Doc FCCC/CP/2013/10/Add.1 (31 January 2014) para 5(a)-(c).
7. UNFCCC 'Decision 1/CP.21, Adoption of the Paris Agreement' UN Doc FCCC/CP/2015/10/Add.1 (29 January 2016) para 51.

آب و هوا نمایانده می‌شود؛ اولی مربوط به تمایز «ضرر و زیان» از «سازگاری» است، زیرا بسیاری از کشورهای صنعتی به اشتباه با این موضوع به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از سازگاری آب و هوا برخورد می‌کنند که پیامدهای عملی و سیاسی قابل‌توجهی در حکمرانی و مدیریت تغییرات آب و هوا بر اساس UNFCCC دارد. از نظر تاریخی، اولین اشاره به ضرر و زیان در دستور جلسه COP13 و پس از آن در تصمیمات COP16 بود که هر دو تحت عنوان «دعای تقویت‌یافته در سازگاری»^۱ طرح شده بود.^۲ هرچند ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس، WIM و به تبع آن ضرر و زیان را تحت این معاهده تعریف نموده است، اما مقررات مربوط به ضرر و زیان (که در COP24 در سال ۲۰۱۸ مورد توافق قرار گرفت)، نه در قالب رکنی مستقل، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان «سازگاری» پذیرفته شد.^۳ به همین ترتیب، مراجعه‌کننده به وبسایت UNFCCC برای کسب اطلاعات مربوط به کار WIM، باید از بخش «سازگاری و انعطاف پذیری» استفاده کند.^۴ این رویکرد در تضاد کامل با دیدگاه اکثر کشورهای درحال توسعه و کشورهای آسیب‌پذیر سیستم است که ضرر و زیان‌ها را به‌عنوان اثر نامطلوب اقلیمی که فراتر از مسائل مربوط به سازگاری است، توصیف می‌کنند.^۵ از دهه ۱۹۹۰، این کشورها خواستار دریافت حمایت مالی از کشورهای توسعه‌یافته برای مقابله با پیامدهای نامطلوب تغییرات آب و هوایی شدند که در رکن کاهش به اندازه کافی انعکاس نیافته بود. از دیدگاه آنها، پرداختن به ضرر و زیان به‌عنوان بخشی از سازگاری، بیانگر آن است که به‌جای تأمین منابع جدید و اضافی، بودجه بین‌المللی برای جبران خسارات، همچنان از منابع موجود تأمین شود که در نتیجه، جبران خسارات بودجه مستقلی نخواهد داشت و این امر می‌تواند به تضعیف جبران‌ها و نیز کاهش بودجه سازگاری منجر گردد.

دومین مورد اختلافی، منابع تأمین مالی بین‌المللی برای حمایت از کسانی است که دچار آسیب‌های اقلیمی می‌شوند. کشورهای آسیب‌پذیر با توجه به نقش پررنگ کشورهای صنعتی در تغییر آب و هوا،

1. Enhanced Action on Adaptation

2. Decision 1/CP.13 (n 13) para 1(c)(iii); و Decision 1/CP.16 (n 14) para 26، به ترتیب.

۳. UNFCCC 'Decision 18/CMA.1'; روش‌ها، رویه‌ها و دستورالعمل‌ها که در ماده ۱۳ موافقت‌نامه پاریس ذکر شده است، UN Doc FCCC/PA/CMA/2018/3/Add.2 (19 March 2019) Annex, para 115.

4. UNFCCC, 'Warsaw International Mechanism for Loss and Damage associated with Climate Change Impacts (WIM)'. <https://unfccc.int/topics/adaptation-and-resilience/workstreams/loss-and-damage-ld/warsaw-international-mechanism-for-loss-and-damage-associated-with-climate-change-impacts-wim>

۵. این امر تا حدی از سوی COP در مقدمه تصمیم خود مبنی بر تأسیس WIM در سال ۲۰۱۳ به رسمیت شناخته شد، و اذعان داشت که «این ضرر و زیان مرتبط با تأثیرات نامطلوب تغییرات آب و هوایی شامل، و در برخی موارد بیش از مواردی است که می‌تواند با سازگاری کاهش یابد»، Decision 2/CP.19 (n 15) preambular para 4.

مسئولیت تأمین مالی و جبران ضرر و زیان وارده را برعهده آنان می‌دانند^۱. اما علی‌رغم اینکه بر اساس کنوانسیون، کشورهای توسعه‌یافته موظف‌اند «منابع مالی جدید و اضافی» برای کمک به کشورهای درحال توسعه جهت تأمین بودجه لازم برای جبران ضرر و زیان‌های ناشی از تغییرات اقلیمی را فراهم کنند^۲، این تقاضا به‌طور مستمر با مقاومت شدید کشورهای توسعه‌یافته مواجه شده است (Benjamin, et al. 2018: 332). در کنار این تکلیف، دستور توافقنامه پاریس به ارائه گزارش، کشورهای توسعه‌یافته را به توضیح چگونگی حمایت مالی خود از کشورهای درحال توسعه و تخصیص منابع جدید و اضافی ملزم می‌کند^۳. گذشته از این اختلاف نظر، کشورها همچنین در مورد منبع تأمین هزینه‌های پیشگیری از آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی یا جبران خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی نیز اختلاف نظر دارند: کشورهای درحال توسعه محور تعهد کشورهای صنعتی برای تأمین مالی را بودجه عمومی می‌دانند، اما کشورهای توسعه‌یافته، بسیج وجوه از طریق بخش خصوصی را ابزار انجام این تعهد در نظر می‌گیرند (Yamineva, 2016: 174, 181). در این راستا، برخی سازمان‌های غیردولتی متخصص اکتشاف منابع مالی مبتکرانه، بر اساس اصل «جبران پولی آلوده‌کننده (جبران از طریق پرداخت از سوی آلوده‌ساز یا آلوده‌کننده)»^۴، وضع مالیات ضرر و زیان بر تولید سوخت فسیلی یا مالیات مسافری خطوط هوایی را پیشنهاد داده‌اند (Gewirtzman J, et al. 2018: 1076, 1082; Roberts, et al. 2017: 208)؛ چراکه غالباً عاملان چنین زیان‌هایی بنابه محاسبه ریسک و با توجه به مدیریت هزینه‌ها دست به فعالیت می‌زنند و زیان‌های وارده به دیگران را نوعی هزینه معمول به حساب می‌آورند که باید در جریان فعالیت خود آمادگی مواجهه

1. AOSIS (n 11).

2. United Nations Framework Convention on Climate Change (adopted 29 May 1992, entered into force 21 March 1994) 1771 UNTS 107 art 4(3).

3. UNFCCC 'Decision 2/CP.17, Annex I, UNFCCC Biennial Reporting Guidelines for Developed Country Parties' UN Doc FCCC/CP/2011/9/Add.1 (15 March 2012); UNFCCC 'Decision 19/CP.18, "UNFCCC Biennial Reporting Guidelines for Developed Country Parties"' UN Doc FCCC/CP/2012/8/Add.3 (28 February 2013).

۴. اصل «جبران پولی آلوده‌کننده» یا اصل «آلوده‌کننده جبران می‌کند» (Polluter Pays Principle) به اصل کلی گفته می‌شود که بر اساس آن شخص یا مؤسسه‌ای که فعالیت‌هایش محیط زیست را آلوده می‌کند (آلاینده‌ای در هوا، آب یا خاک منتشر می‌کند) در قبال آن آلودگی‌ها و خسارت‌هایی که به‌بار می‌آورد مسئول است و باید هزینه‌های مربوطه را متقبل شود. این اصل مبنای بسیاری از قوانین زیست‌محیطی در کشورهای مختلف است. هدف این قوانین این است که هزینه‌هایی را که به دولت یا جامعه تحمیل می‌شود از طریق مکانیسم‌های قانونی به کسانی که آلاینده‌ها را تولید می‌کنند منتقل کند. برای مثال، می‌توان مسئولیت یا هزینه گردآوری و مدیریت پسماند (از طریق دفن در خاک‌چال (landfill) یا سوزاندن (incineration) یا بازیافت (recycling) بطری‌های پلاستیکی نوشابه را مطابق اصل «جبران پولی آلوده‌کننده» به‌عهده شرکت‌های تولید و توزیع این نوع نوشیدنی‌ها دانست.

<http://eco-literacy.net/glossary/polluter-pays-principle/>

با آن را داشته باشند (شاهرخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۹۸). در COP25 در دسامبر ۲۰۱۹، اعضا تصویب کردند تا پایان سال ۲۰۲۰ گروهی تخصصی جهت اقامه دعوی ضرر و زیان و پیگیری آنها و جذب حمایت‌های مالی و غیرمالی تحت WIM ایجاد شود. COP همچنین موافقت کرد^۱ گزینه‌های پیشنهادی برای تأمین مالی از سوی صندوق آب و هوای سبز (GCF)^۲ بررسی گردد^۳. G77 و چین با انتقاد از این نتیجه، خواستار مقرر نمودن تسهیلاتی برای جبران ضرر و زیان‌ها شدند (Nathoniel, et al. 2019) که به جای منابع جدید و اضافی که تقاضای اصلی کشورهای درحال توسعه است، از مجموعه موجودی و دارایی بین‌المللی تخصیص داده شده برای پروژه‌های کاهش و سازگاری، تأمین گردد. این پیشنهاد از سوی کشورهای آسیب‌پذیر و ناظران سازمان‌های غیردولتی به دلیل عدم کفایت منابع حمایتی ذکر شده مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا سازگاری در حال حاضر تنها یک چهارم پروژه‌های GCF^۴ را تشکیل می‌دهد و نقاط ضعف چنین پیشنهادی در مقایسه با موافقت‌نامه پاریس که تخصیص متعادل بودجه آب و هوا بین پروژه‌های کاهش و سازگاری را پیشنهاد می‌کند^۵ کاملاً آشکار است. این کشورها همچنین به این موضوع انتقاد داشته‌اند که پیشنهاد یادشده تعهدی برای کشورهای توسعه‌یافته در تأمین منابع مالی جدید و اضافی ایجاد نمی‌کند و در عوض، وظیفه حمایت‌های گوناگون از جمله حمایت مالی را برعهده «سازمان‌های خصوصی و غیردولتی، صندوق‌ها و سایر ذینفعان» قرار می‌دهد^۶.

سومین مورد اختلاف، به تفاوت دیدگاه ذی‌نفعان در مورد تعیین مسئول جبران ضرر مربوط می‌شود. ادعاهای مربوط به مسئولیت پرداخت خسارت برای اولین بار از سوی AOSIS در سال ۱۹۹۱ بیان شد^۷. کشورهای آسیب‌پذیر و سازمان‌های غیردولتی، همواره قائل به ضرورت داشتن مسئولیت جبران خسارت برای عاملان بوده‌اند که پیوسته با مقاومت شدید کشورهای صنعتی و اجتناب آنها از پاسخگویی و پذیرش مسئولیت بالقوه مواجه شده است (Simlinger, et al. 2019: 194). این کشورها در عوض از

1. UNFCCC 'Decision 6/CMA.2, Guidance to the Green Climate Fund' UN Doc FCCC/PA/CMA/2019/6/Add.1 (15 December 2019) para 8.
2. Green Climate Fund: یک نهاد اجرایی از مکانیسم مالی UNFCCC است که در سال ۲۰۱۰ با هدف کمک به تلاش‌های کاهش و سازگاری کشورهای درحال توسعه تأسیس شد.
3. UNFCCC 'Decision 3/CP.17, Launching the Green Climate Fund' UN Doc FCCC/CP/2011/9/Add.1 (15 March 2012) Annex.
3. Green Climate Fund, 'Project Portfolio' (2020). <https://www.greenclimate.fund/projects/dashboard>
4. Paris Agreement (adopted 12 December 2015, entered into force 4 November 2016) 55 ILM 740 art 9(4).
5. UNFCCC 'Decision 2/CMA.2, Warsaw International Mechanism for Loss and Damage Associated with Climate Change Impacts and its 2019 Review' UN Doc FCCC/PA/CMA/2019/6/Add.1 (15 December 2019) para 33.
6. AOSIS (n 11) para 1.4.

مدیریت ریسک و به‌ویژه سازوکار بیمه به‌عنوان ابزار اصلی و مؤثر برای مقابله با ضرر و زیان حمایت کرده‌اند (Vanhala, et al. 2016: 127). اگرچه در COP سال ۲۰۱۵، به‌صراحت در بند ۵۱ ماده ۸ معاهده^۱، در خصوص در نظر گرفتن مسئولیت و تکلیف به پرداخت غرامت، تصمیماتی گرفته شد، ولی اجرایی شدن آن به پذیرش آن از سوی کشورها و عدم اشتراط خلاف آن مشروط گشت^۲. همچنین هنگام تصویب معاهده، برخی کشورها اعلام داشتند بند ۵۱ نمی‌تواند ناقص قواعد عمومی حقوق بین‌الملل به‌ویژه قواعد مسئولیت دولت‌ها باشد و از آنجا که این بند به‌عنوان بخشی از تصمیم COP به‌شمار رفته است و می‌تواند با تصمیم COP در آینده اصلاح شود، نباید قانوناً الزام‌آور تلقی گردد (Mace, et al. 2016: 197; Brunnée, 2002: 1). در COP25 در دسامبر ۲۰۱۹ بار دیگر تنش‌هایی بر سر این بند پدیدار شد^۳ و مضمون آن مورد بازبینی قرار گرفت که در نتیجه آن، با تصویب نهایی بند ۵۱، تعیین مسئول جبران ضرر و زیان به دادگاه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی واگذار شد. اختلافات یادشده به سردرگمی مفهوم و محتوای دقیق ضرر و زیان نیز دامن زد (Roy, et al. 2018: 454). برخی محققان معتقدند، ابهام اصطلاح «ضرر و زیان» نوعی «چارچوب گسترده» ایجاد کرده که قابلیت تفسیر متفاوت از آن، امکان انتخاب بهترین وجه از میان «مسئولیت و جبران خسارت» یا «مدیریت ریسک و رویکردهای بیمه» را فراهم آورده است که به حل اختلافات بین طرفین می‌انجامد (Vanhala, et al. 2016: 111). باید گفت هرچند مطابق این دیدگاه این ابهام ممکن است برای مذاکرات دیپلماتیک سازنده باشد، اما از طرف دیگر برای اطراف دعوی که به دنبال تکیه بر اصول و سیاست بین‌المللی در استدلال‌های خود هستند و نیز قضاتی که در پی تعیین تکلیف تعهدات دولت‌ها در خصوص آسیب‌های آب و هوایی‌اند، مانع مهمی محسوب می‌شود (Lees, 2016: 59, 62).

۲.۲. تکامل موازی دعاوی آب و هوا در تمامی ارکان

در دهه گذشته تعداد پرونده‌های قضایی مربوط به تغییرات آب و هوا در حوزه‌های قضایی مختلف منطقه‌ای و داخلی افزایش قابل توجهی داشته است (Setzer, et al. 2019: 2). از حدود ۱۵۰۰ پرونده‌ای

1. Para.51 Decision 1/CP.21; Agrees that Article 8 of the Agreement does not involve or provide a basis for any liability or compensation. <https://unfccc.int/resource/docs/2015/cop21/eng/10a01.pdf>. page=2

بند ۵۱ تصمیم 1/COP 21 موافقت می‌کند که ماده ۸ موافقت‌نامه شامل هیچ‌گونه مسئولیت یا غرامت نمی‌شود یا مبنایی برای آن ارائه نمی‌دهد.

2. Decision 1/CP.21 (n 16) para 51.

3. CarbonBrief, 'COP25: Key Outcomes Agreed at the UN Climate Talks in Madrid' (2019).

در COP25، ایالات متحده به دنبال گسترش بند ۵۱ به UNFCCC به‌عنوان یک کل، فراتر از تمرکز خود بر ماده ۸ تحت موافقت‌نامه پاریس بود.

که از سوی مرکز سابین^۱ ناظر بر قانون تغییرات آب و هوایی به عنوان دعوای اقلیمی شناسایی شده، بیش از سه چهارم در ایالات متحده^۲ و پس از آن در استرالیا، اتحادیه اروپا و بریتانیا مطرح شده^۳ و تاکنون طرح هیچ پرونده‌ای در دادگاه‌های بین‌المللی صورت نپذیرفته است. دامنه مفهومی دعوای حقوقی آب و هوا بسیار گسترده است. «دعوای آب و هوا می‌تواند شامل مصادیق زیادی همچون شکایت یک شاکی به دادگاه برای اجرای قوانین آب و هوایی موجود و یا به‌چالش کشیدن اعتبار قانون آب و هوا از سوی هر فرد مدعی باشد» (Asselt, et al. 2015: 23; Vanhala, et al. 2013: 141, 144).

در این تحقیق منظور از دعوای حقوقی تغییر اقلیم، دعوایی است که در آن تغییرات آب و هوایی (صرف‌نظر از اینکه از سوی مدعی، خوانده یا تصمیم‌دهنده مطرح شده باشد) مؤلفه‌ای کلیدی است و در فرایند نیل به نتیجه پرونده، مورد کاوش و استناد قرار می‌گیرد. در این پرونده‌ها، غالباً به دلیل عدم تمایل دولت‌ها به مقابله با تغییرات اقلیمی (عمدتاً از نظر کاهش و سازگاری)، پروژه‌های زیرساختی و یا منابع تأمین انرژی به‌چالش کشیده می‌شوند (Setzer, et al. 2019: 6). بسیاری از این پرونده‌ها مربوط به صنعت سوخت‌های فسیلی و در پی ممانعت از اجرایی شدن مقررات تأثیرگذار بر منافع اختصاصی آنهاست که البته در بسیاری مواقع هم موفق به کسب رأی موافق دادگاه می‌شوند (McCormick S, et al. 2018: 829). در موارد متعددی نیز دعوای با هدف اثبات مسئولیت در قبال انتشار گازهای گلخانه‌ای برای دولت‌ها و نهادهای شرکتی و یا تعیین نوع و میزان مسئولیت در مواردی که عدم سازگاری با تغییرات آب و هوایی منجر به آسیب شده است، طرح می‌شود^۴.

نگاهی به پرونده‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد درحالی که تنها تعداد کمی از پرونده‌های آب و هوایی به‌طور خاص با هدف دستیابی به جبران خسارت (پرونده‌هایی با موضوع کاهش یا مباحث مالی سازگاری) مطرح شده‌اند، موضوع بسیاری از پرونده‌های قضایی، مسائل مربوط به نوع و میزان مسئولیت، انتساب مسئولیت و درنهایت مطالبه جبران خسارت است (Marjanac, et al. 2017: 616). همچنین تا به امروز برخلاف دعوای عمومی^۵ آب و هوا که غالباً بر کاهش و تا حدی سازگاری متمرکز بوده (Setzer, et al. 2019: 6)، دعوای ورود ضرر و زیان و درخواست جبران آن معمولاً در حوزه دعوای خصوصی قرار داشته و در اکثر موارد علیه شرکت‌ها مطرح شده (Simlinger, et al. 2019: 194) و البته بسیاری از آنها ناموفق بوده است. عمده موانع پیش پای مدعیان چنین پرونده‌هایی، عبارت‌اند از: فقدان جایگاه حقوقی

1. Sabin Center

2. Sabin Center for Climate Change Law, 'Climate Case Chart' (2020). <http://climatecasechart.com/>

3. LSE Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment, 'Climate Change Laws of the World' (2020). <https://climate-laws.org/>

4. UNEP, The Status of Climate Change Litigation – A Global Review (UNEP 2017) 5.

۵. دعوای اقامه‌شده علیه دولت‌ها و مقامات دولتی محلی

برای این موضوعات (Doelle, et al. 2020: 6)، دشواری اثبات ورود آسیب از سوی آلاینده‌ها (James, et al. 2019: 113,140)، اثبات علیت (Beck, et al. 2014: 24) و محدودیت قلمرو صلاحیت^۱. علاوه بر اینها، بی‌میلی برخی از دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به چنین موضوعاتی که از نظر آنها سیاسی تلقی می‌شود، شاکیان را دچار دردسر می‌کند. در مطالعات اخیر، تداوم این چالش‌ها در دعاوی فعلی آب و هوایی مرتبط با ضرر و زیان تأیید شده است (Simlinger, et al. 2019: 194; Doelle, et al. 2020: 6).

اما علی‌رغم وضعیت موصوف، نشانه‌های سرعت تغییر در چشم‌انداز دعاوی حقوقی آب و هوایی مشهود است. رأی مهم یک دادگاه هلندی در سال ۲۰۱۵ در پرونده^۲ *Urgenda v The Netherlands* که در دادگاه عالی نیز تأیید شد^۳ بر ارتباط علی بین انتشار گازهای گلخانه‌ای کشور و تأثیرات آن بر آب و هوا مهر تأیید زد^۴. مدعیان این پرونده با تکیه بر مفهوم «مسئولیت در قبال سهل‌انگاری خطرناک» تلاش کردند دولت را به سهل‌انگاری در تلاش برای کاهش آلودگی‌های آب و هوا محکوم نمایند. برخی از محققان پیشنهاد کرده‌اند که مواردی مانند *Urgenda* به‌عنوان الگویی برای دعاوی مشابه به‌ویژه در حوزه‌های قضایی که چارچوب قوانین و دسترسی به دادگاه‌های مشابه وجود دارد، لحاظ شود (Cox, et al. 2016: 160). این تلاش در عمل از طریق شبکه‌های دعوی قضایی^۵ تکمیل می‌شود. همچنین پیشرفت تکنولوژی که در طول زمان امکان تشخیص روابط علی را تقویت می‌کند، می‌تواند زمینه‌های افزایش امکان موفقیت در دادخواهی در دعاوی این‌چنینی را فراهم آورد (Marjanac, et al. 2018: 265, Inter-American Court of Human Rights, et al. 2018: 266). نظر مشورتی اخیر دیوان امریکایی حقوق بشر (Inter-American Court of Human Rights)؛ کاربرد فراسرزمینی حقوق بشر در مورد محیط زیست را نشان داده و سابقه مهمی برای دعاوی حقوقی آسیب‌های ناشی از تغییرات آب و هوا تحت قوانین حقوق بشر ایجاد کرده است (Campbell-Durufflé, et al. 2018: 321, 335). همچنین با افزایش تعداد و شدت رویدادهای

1. International Bar Association (IBA), *Achieving Justice and Human Rights in an Era of Climate Disruption* (IBA 2014) 68.
2. *Stichting Urgenda v Government of the Netherlands* (Ministry of Infrastructure and the Environment), ECLI:NL:RBDHA:2015:7145, *Rechtbank Den Haag, C/09/456689/HA ZA 13-1396*.
3. *Urgenda Foundation v State of the Netherlands*, ECLI:NL:HR:2019:2007, Hoge Raad, 19/00135. <https://uitspraken.rechtspraak.nl/inziendocument?id=ECLI:NL:HR:2019:2007>
4. R Cox, 'A Climate Change Litigation Precedent: *Urgenda Foundation v The State of the Netherlands*' (2016) 34 *Journal of Energy and Natural Resources Law* 143, 160.

۵. در صفحات آتی با جزئیات بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد

۶. محیط زیست و حقوق بشر (تعهدات دولت در مورد محیط زیست در چارچوب حمایت و تضمین حقوق زندگی و تمامیت فردی - تفسیر و محدوده مواد ۱، ۳ و ۵، در خصوص مواد ۱، ۱ و ۲ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر). *Advisory Opinion OC-23/17, Inter-American Court of Human Rights Series A No 23* (15 November 2017).

نامطلوب اقلیمی، این احتمال وجود دارد که مسائل مسئولیت و جبران خسارت در موارد دعاوی آب و هوایی آینده، جدی‌تر، عمیق‌تر و برجسته‌تر باشد (Burkett, 2009: 509, 520; Pekkarinen, et al. 2019: 31, 39; Asselt, et al. 2015: 26; Schwarte, et al. 2010: 21).

۳.۲. نوع‌شناسی موارد ضرر و زیان

هر تلاشی برای بررسی دعاوی حقوقی آب و هوایی مرتبط با ضرر و زیان، در همان ابتدا با معضل ابهام در تعریف این اصطلاح به‌عنوان یکی از ارکان چهارگانه (کاهش، سازگاری، تأمین مالی، ضرر و زیان) مواجه است. امکان یا عدم امکان طرح «پرونده ضرر و زیان» یا به بیان دیگر رسمیت یا عدم رسمیت چنین دعوایی، تفاوت‌های آن با پرونده کاهش یا سازگاری، و اینکه آیا تمام دعاوی حقوقی‌ای که به‌دنبال کاهش گازهای گلخانه‌ای هستند به جلوگیری از ضرر و زیان منجر می‌شوند یا خیر، سوالات جدی و لازم برای پیگیری در این حوزه هستند. در مباحث آتی دعاوی ضرر و زیان با محوریت دو عنصر تعیین‌کننده، یعنی چارچوب ضرر و هدف خواهان، از دعاوی مشابه مجزا می‌شوند.

۱.۳.۲. چارچوب‌بندی ضرر

هرچند مفهوم وسیع واژه ضرر می‌تواند بسیاری از پرونده‌های آب و هوایی مهم را مشمول این عنوان نماید، اما با توضیح موضوع، می‌توان موارد مربوط به آسیب‌هایی را که قبلاً رخ داده از مواردی که با آسیب‌های احتمالی سروکار دارند، تفکیک نمود و اولی را ذیل عنوان موارد «ضرر و زیان» و دومی را تحت عنوان «کاهش یا سازگاری» قرار داد. ملاک‌های دیگری نیز برای تمایز و دسته‌بندی پرونده‌ها می‌توان در نظر گرفت؛ مرتبط بودن دعوا به رویدادهای شدید آب و هوایی خاص یا رویدادهایی با شروع آهسته، طرح دعوا برای دریافت غرامت ضرر و زیان واردشده یا برای رسیدگی انتزاعی به تأثیرات آب و هوا و نیز ضرر و زیان ناشی از اقدامات مداخله‌جویانه انسانی یا غیر از آن می‌توانند در این طبقه‌بندی دخیل باشند. نوع و حجم آسیب وارده، جغرافیای اماکن آسیب‌دیده، افرادی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند و آیا این آسیب بر جوامع و افراد خاص یا کل جمعیت منطقه تحت صلاحیت دادگاه تأثیر گذاشته است یا می‌تواند اثرگذار باشد، همگی در طبقه‌بندی دعوا و در روند رسیدگی به پرونده مؤثر خواهند بود.

نکته دیگر اینکه اگرچه موضوع بیشتر پرونده‌های معروف، آسیب‌های غیرمختص به مکان مشخص است (مثلاً Urgenda)، چندین پرونده اقلیمی وجود دارد که به‌دنبال اصلاح یا جلوگیری از تکرار آسیب‌های خاص و قابل شناسایی گذشته در یک منطقه هستند. برای مثال، یکی از مدعیان مستقر در لوئیزیانا، در منطقه جولیان با بررسی تاریخچه ۵۰۰ ساله سیل‌های محل سکونت خویش و استخراج الگوی رخداد

طبیعی سیل، آسیب‌های وارد به خود را ناشی از وقوع برخی سیل‌ها دانسته که خارج از الگوی طبیعی بودند و وی این خارج از الگو بودن را دلیل اینکه این سیل‌ها در نتیجه دست‌کاری در آب و هوا به وجود آمده‌اند، تلقی کرده است.^۱ در پرونده *KlimaSeniorinnen*^۲ نیز تعدادی خانم مسن سوئیس به دلیل افزایش گرمای ناشی از تغییرات آب و هوایی از دولت سوئیس و اتحادیه اروپا شکایت کرده و هدف خود را پیشگیری از آسیب‌های خاصی چون افزایش مرگ و میر ناشی از گرمادگی در آینده بیان کردند. در پرونده *Carvalho*^۳ در مرحله اول به این دلیل که هیچ‌یک از شاکیان به‌طور اختصاصی تحت تأثیر آسیب‌های ناشی از تغییر آب و هوا قرار نگرفته بودند، دعوی رد شد. بنابراین در دعاوی این‌چنینی چارچوب‌بندی ضرر از اهمیت اقدامات است.

۲.۳.۲. هدف مدعی

«هدف خواهان» یکی دیگر از عناصر تعیین‌کننده نوع دعواست؛ زیرا موضوع دعاوی ضرر و زیان در درجه اول جبران خسارت است، و پیشگیری (که در دعاوی کاهش یا سازگاری مطرح است) در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در دادگاه‌های ایالات متحده تعداد نسبتاً کمی از این قبیل پرونده‌ها وجود دارد. مهم‌ترین آنها پرونده کیوالینا^۴ است که ساکنان این منطقه به دلیل ازدست دادن مزارع خود در اثر سیل، از شرکت‌های بزرگ تولیدکنندگان انرژی شکایت کرده، به‌دنبال جبران خسارت بودند. در پرونده *Comer* و چندین پرونده مشابه، مدعیان به‌دنبال جبران خسارت مالی ناشی از طوفان کاترینا *Murphy Oil*^۵ بودند که در سال ۲۰۰۵ ایالات متحده را درنوردیده و جان بیش از ۱۲۰۰ نفر را گرفته بود. دعاوی بسیاری از پرونده‌ها در ایالات متحده علیه شرکت‌های بزرگ نفتی بود و در آنها حکم به مسئولیت به

1. Juliana et al v United States of America et al, No 6:15-cv-01517-TC, 10 Nov. 2016, 217 F.Supp.3d 1224 (D. Or. 2016); No 18-36082, D.C. No 6:15-cv-01517-AA, 17 Jan. 2020.
2. Verein KlimaSeniorinnen Schweiz et al v Bundesrat, Judgment A-2992/2017 (27 November 2018).
3. ده خانواده، از جمله کودکان آنان، از پرتغال، آلمان، فرانسه، ایتالیا، رومانی، کنیا، فیجی و انجمن جوانان سامی سوئد *Sáminuorra*، به دادگاه عمومی اتحادیه اروپا شکایت کردند؛ چراکه به‌دنبال وادار کردن اتحادیه اروپا به کاهش شدیدتر انتشار گازهای گلخانه‌ای بودند. شاکیان ادعا کردند که هدف فعلی اتحادیه اروپا برای کاهش ۴۰ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای داخلی تا سال ۲۰۳۰، در مقایسه با سطوح سال ۱۹۹۰، برای جلوگیری از تغییرات خطرناک آب و هوایی کافی نیست و حقوق اساسی شاکیان در خصوص زندگی، سلامت، شغل و دارایی را تهدید می‌کند. Case T-330/18, Armando Ferrão Carvalho and Others v The European Parliament and the Council, ECLI:EU:T:2019:324; G Winter, 'Armando Carvalho and Others v. EU: Invoking Human Rights and the Paris Agreement for Better Climate Protection Legislation' (2020) 9 *Transnational Environmental Law* 137.
4. Native Village of Kivalina v ExxonMobil Corp 696 F.3d 849, 858 (9th Cir 2012), cert denied, 133 S Ct 2390 (2013).
5. Comer v Murphy Oil USA, Inc. 585 F.3d 855 (5th Cir 2009).

جهت مزاحمت، جبران خسارت آسیب‌های وارده به زیرساخت‌ها، پرداخت هزینه‌های سازگاری و همچنین خسارات تنبیهی برای تقلب درخواست شده بود. در خارج از ایالات متحده، پرونده *Lliuya v RWE*^۱ اولین موردی است که در آن دادگاه یک شرکت خصوصی را در قبال خسارات آب و هوایی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای خود مسئول شناخت. پرونده کانادایی *Burgess*^۲ نیز شامل یک شکایت دسته‌جمعی بود که به دنبال غرامت ۹۰۰ میلیون دلار کانادا از وزارت منابع طبیعی و جنگل‌داری برای جبران خسارات ناشی از سیل در نتیجه افزایش ذوب برف و بارندگی بود. در استرالیا هم در پرونده *Ralph Lauren 57*^۳ دریافت خسارت کاهش ارزش دارایی و هزینه‌های اقدامات حفاظتی ناشی از تجاوز به خط ساحلی دنبال می‌شد.

۲.۳.۳. تفاوت کشورها در تحمل ضرر

IPCC دریافته است که ضرر و زیانی که کشورهای درحال توسعه و آسیب‌پذیر متحمل می‌شوند، به مراتب بیشتر و شدیدتر از کشورهای توسعه‌یافته است. جزایر کوچک یکی از مناطقی هستند که در حال حاضر با ضرر و زیان نامتناسبی مواجه‌اند. برای این جزایر دمای بیش از ۱٫۵ درجه سانتیگراد یک آستانه حیاتی است که ممکن است با افزایش فراتر از آن، نتوانند با تغییرات آب و هوایی سازگار شوند. افزایش سطح دریا نیز به‌ویژه برای مناطق کم‌ارتفاعی که در حال حاضر در سطح فعلی یا کمتر از سطح دریا قرار دارند، تهدیدی جدی است. در این مناطق خطر از بین رفتن دائمی و غیرقابل برگشت تنوع زیستی زمینی، دریایی و ساحلی و همچنین خدماتی که این اکوسیستم‌ها ارائه می‌دهند، مانند حفاظت از ساحل در برابر طوفان‌ها و حمایت از معیشت، مانند ماهیگیری، همواره جدی است. به‌علاوه خطر زوال اقتصادی ناشی از ضرر و زیان و شکست بخش‌هایی که این جزایر به آن وابسته هستند، مانند کشاورزی و گردشگری، وجود دارد. این ضرر و زیان‌ها ممکن است به کاهش قابلیت سکونت جزایر و در نتیجه جابه‌جایی یا مهاجرت دائمی مردم از خانه‌هایشان منجر شود که ناگزیر با خسارات غیراقتصادی مانند ازدست دادن حس مکان، اجتماع و فرهنگ همراه خواهد بود.

در آفریقا نیز علاوه بر ضرر و زیان‌های تجربه‌شده فعلی که با گرم شدن کره زمین تشدید خواهد شد، مواردی نیز پیش‌بینی می‌شود که در آینده‌ای نه‌چندان دور اتفاق بیفتد. برخی از این موارد عبارت‌اند از: انقراض و کاهش گونه‌ها؛ ازدست دادن غیرقابل برگشت اکوسیستم‌ها و خدمات آنها، از جمله

1. Saul Luciano Lliuya v RWE (2017) 20171130 Case No I-5 U 15/17 (Oberlandesgericht Hamm).
2. Burgess v Ontario Minister of Natural Resources and Forestry, Court File No 16-1325CP.
3. Ralph Lauren 57 v Byron Shire Council [2016] NSWSC 169.

اکوسیستم‌های آب شیرین، خشکی و اقیانوس؛ خطرهایی برای امنیت غذایی؛ سوء تغذیه؛ و ازدست دادن معیشت به دلیل کاهش تولید مواد غذایی از محصولات کشاورزی، دامی و شیلات. ضرر و زیان ممکن است شامل افزایش مرگ و میر و کاهش جمعیت انسان به دلیل افزایش گرما و بیماری‌های عفونی، نرخ نابرابری و فقر، خطر برای امنیت آب و انرژی به دلیل خشکسالی و گرما و نیز کاهش تولید و رشد اقتصادی باشد.

بسیاری از کشورهایی که متحمل ضرر و زیان‌های شدید می‌شوند، مانند کشورهای کم‌توسعه‌یافته و کشورهای جزیره‌ای کوچک، در حال حاضر و از نظر تاریخی کمترین نقش را در انتشار جهانی کربن دارند. برای مثال، مالدیو تنها عامل ۳ صدم درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی است، اما افزایش سطح دریا تهدیدی برای این کشور شمرده می‌شود، زیرا چهار پنجم جزایر آن فقط یک متر از سطح دریا بالاتر هستند. به‌طور مشابه، کل قاره آفریقا تنها ۳٫۸ درصد در انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان نقش داشته، اما این قاره آسیب‌پذیرترین قاره در برابر آثار تغییرات آب و هوایی است و در حال حاضر متحمل ضرر و زیان‌های شدید شده است. در نتیجه، سیاستمداران و دست‌اندرکاران جامعه مدنی در برخی کشورهای درحال توسعه، مسئولیت تاریخی کشورهای توسعه‌یافته را در ایجاد تغییرات اقلیمی برجسته کرده و از آنها خواسته‌اند تا ضرر و زیان‌ها را جبران کنند. در گذشته، کشورهای توسعه‌یافته عمدتاً از بحث مالی درباره ضرر و زیان اجتناب می‌کردند، زیرا می‌ترسیدند که از نظر قانونی موظف به ارائه مبالغ هنگفتی به‌عنوان غرامت به کشورهای آسیب‌پذیر از آب و هوا شوند. اقتصادهای بزرگ در حال ظهور سهم فزاینده‌ای در انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان را به خود اختصاص می‌دهند. این کشورها از درخواست‌ها برای تأمین مالی ضرر و زیان در مذاکرات آب و هوا حمایت می‌کنند، اما با توجه به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و بالا رفتن قدرت اقتصادی، به‌طور فزاینده‌ای تحت فشار قرار می‌گیرند تا خود تأمین‌کننده این کمک‌های مالی باشند^۱.

۴.۲. چالش‌های پیش روی طرح دعوای قضایی

نوع‌شناسی ارائه‌شده در اینجا با هدف ارائه ملاک‌هایی است که دارای ارتباط حقیقی با ضرر و زیان (و نه سه رکن کاهش، سازگاری و تأمین) هستند و به‌طور اخص نشان می‌دهد که موضوعات طرح‌شده در دعوای اخیر «ضرر و زیان ناشی از تغییرات آب و هوایی» تا چه حد مبتلابه هستند. همچنین زمانی که از

1. Adelle, Thomas; <https://www.un.org/en/climatechange/adelle-thomas-loss-and-damage>.

(دکتر ادل توماس نویسنده اصلی گزارش IPCC ۲۰۲۲ در مورد تأثیرات، سازگاری و آسیب‌پذیری، و گزارش ویژه در مورد دمای ۱٫۵ درجه سانتیگراد است).

اصطلاحات محدود UNFCCC فراتر می‌رویم، مفهوم گسترده‌تری از ضرر و زیان را می‌توان به‌عنوان آسیب تغییرات آب و هوا تلقی و نسبت به آنها اقامه دعوا نمود. با این حال، این تصور که تمام مناطقی که با آسیب آب و هوا سروکار دارند، به‌طور خودکار مورد ضرر و زیان قرار می‌گیرند، قطعاً صحیح نیست. همان‌طور که گونه‌شناسی نشان می‌دهد، جدیدترین دعاوی حقوقی آب و هوایی، آسیب‌ها را به روش‌های متعددی (از نظر زمان، نوع و دامنه، و همچنین تأثیرات آب و هوایی مرتبط که موجب بروز آسیب می‌شود) ترسیم کرده و البته توجه به هدف مدعی نیز ضروری است. در اینجا، عنصری که واقعاً پرونده ضرر و زیان را از موارد کاهش یا سازگاری جدا می‌کند، تحقق ضرر و زیان (مانند آسیب مالی، اجتماعی یا بدنی (جانی)) است که مدعیان، جبران خسارت ناشی از آن را از طریق دعاوی قضایی دنبال می‌کنند.

یکی از نکات مهم این است مدعیان این پرونده اغلب مدافعانی نیز دارند که گاهی تفکیک آنها از مدعیان چندان آسان نمی‌نماید. معضل دیگر در مسیر توسعه طرح دعاوی قضایی، این است که اغلب این دعاوی از سوی ساکنان نیمکره شمالی شهرهای ایالات متحده یا سازمان‌های غیردولتی و اشخاص حقیقی در کشورهای اروپایی طرح می‌شوند. البته دعوی *Lliuya v RWE*¹ یک استثنا شمرده می‌شود که در آن شاکی کشاورزی از پرو بود که از سوی سازمانی آلمانی حمایت می‌شد که مشوق و آگاهی‌بخش وی در مورد امکان طرح شکایت بود. این امر ورود به مباحث مربوط به صلاحیت قضایی و دسترسی به عدالت را ضروری می‌سازد. این واقعیت موجد این پرسش است که آیا از منظر عدالت توزیعی اقلیم، اختصاص احکام پرداخت خسارات در این پرونده‌ها به مدعیان ساکن نیمکره شمالی به‌ویژه شهرهای ایالات متحده که مسلماً از حیث دریافت راهکارهای مقابله با ضرر و زیان برای شهروندان، نسبت به ساکنان کشورهای درحال توسعه در وضعیت بهتری هستند، و عدم چنین پرداختی یا حداقل ضعف در چنین پرداخت‌هایی برای مردم مناطق درحال توسعه، منطقی و قابل توجیه است؟ (Bouwer, 2018: 37-38; Bouwer, 2019: 483,) (484; Peel, et al. 2019: 679; در نیمکره جنوبی نیز افزایش یافته (6; Setzer, et al. 2019: 77; Setzer, et al. 2020: 77) و در بسیاری از این موارد دعوا به طرفیت دولت‌ها به جای شرکت‌ها اقامه شده و دولت‌ها را به اجرای قوانین و سیاست‌های آب و هوایی موجود که مبتلا به ضعف در اجرا هستند، مجبور ساخته است (79; Setzer, et al. 2020); با این حال، طرفین دعوی در نیمکره جنوبی اغلب با موانع ساختاری مانند کمبود منابع مالی و نیز فقدان متخصص در این حوزه برای رسیدگی کردن به چنین دعاوی مواجه هستند (96; Setzer, et al. 2020). این مسئله روشن می‌سازد که قلت دعاوی حقوقی مربوط به ضرر و زیان نسبت به موارد کاهش و سازگاری ممکن است تا حدی ناشی از ناکافی بودن و ناکارآمدی راه‌حل‌ها و رویه‌ها باشد.

1. Saul Luciano Lliuya v RWE (2017) 20171130 Case No I-5 U 15/17 (Oberlandesgericht Hamm).

در تفکیک و دسته‌بندی دعاوی، توجه به اهداف مختلف دعاوی ضرر و زیان نیز ضروری است. طرح دعوی در موارد ضرر قابل ترمیم با هدف استرداد یا جبران خسارت (مالی یا غیر آن) و در موارد خسارات جبران‌ناپذیری همچون زیان‌های غیراقتصادی، مانند فرهنگ، دانش سنتی و غیره که غرامت پولی نمی‌تواند جبران‌کننده باشد، با هدف صدور قرار منع یا قرار توقیف^۱ قابل تصور است که در مورد پژوهی پیش رو مد نظر قرار می‌گیرد.

۵.۲. اهمیت و ضرورت تقنین در حوزه ضرر و زیان

با توجه به نزدیکی موضوع مذاکرات UNFCCC، به‌ویژه دستور کار WIM به مباحث ضرر و زیان، مشاهده می‌شود که در دعاوی مربوط به ضرر و زیان‌های آب و هوایی، ارجاعاتی به نتایج و تصمیمات مذاکرات صورت پذیرفته و استدلال‌های مدعیان، متهمان یا قضات به نتایج مذاکرات استناد داده شده است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که مذاکرات UNFCCC که با مشارکت و اجماع کشورهای زیادی انجام گرفته، جایگاه خود را به‌عنوان مرجع اصلی تدوین مقررات بین‌المللی در مورد ضرر و زیان‌های ناشی از تغییرات آب و هوا تثبیت کرده است.

مطالعه پرونده‌ها نشان می‌دهد مدعیان به دنبال نهاد تخصصی در این زمینه هستند و به‌جز WIM، هیچ نهاد دیگری در حقوق و سیاست بین‌الملل وجود ندارد که با ضرر و زیان برخورد کند و شرح وظایف کمیته اجرایی WIM نیز صرفاً بر بلا تکلیفی مراجع می‌افزاید. در واقع، نه ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس و نه هیچ‌یک از موارد طرح‌شده در پیوست وظایف اجرایی کنوانسیون، به نقش و کار UNFCCC در مورد این موضوع، WIM و یا سایر ارگان‌های فرعی آن اشاره نمی‌کند.

همچنین با تعمیق در مضمون ماده ۸ باید گفت، از منظر حقوقی ارجاع به این ماده در دعاوی، بی‌ثمر و فاقد پشتوانه منطقی است؛ زیرا بند ۵۱ تصمیم COP پاریس به‌صراحت بیان می‌کند که هیچ‌یک از مفاد موافقت‌نامه پاریس برای ایجاد مسئولیت و غرامت در نظر گرفته نشده است (Pekkarinen, et al., 2019: 6). از طرفی، تأکید بر رویکردهای مشارکتی و تسهیل‌کننده در ماده ۸ (۳) معاهده نشان می‌دهد که «راه‌های داوری تخصصات برای رسیدگی به ضرر و زیان تحت توافقنامه پاریس در حال حاضر بسته است». به همین دلایل، به مدعیان احتمالی توصیه می‌شود از مراجعه به ماده ۸ در موارد ضرر و زیان اجتناب کنند (Siegele, 2017: 230).

بند ۵۱ نیز علاوه بر اینکه موجد استثنایی بر قواعد عام بین‌المللی در خصوص مسئولیت نیست

1. Injunctive Relief

۲. Ralph Lauren 57. تنها پرونده‌ای است که به‌صراحت به مفهوم «ضرر و زیان» اشاره می‌کند.

حقوق بشر امضا شده از سوی طرفین هم ایجاد نمی‌کند (Toussaint, et al. 2020: 1, 5) و لذا فاقد نقش کارآمد و قابل توجه در مرجعیت دعاوی ضرر و زیان است. موافقت‌نامه پاریس نیز در حال حاضر مبانی کافی و محکمی برای طرح دعاوی ضرر و زیان ارائه نمی‌نماید و به همین ترتیب کار WIM و تصمیمات COP در خصوص ضرر و زیان کارایی خاصی در این زمینه ندارند.

در غیاب تعریفی توافق شده بر ضرر و زیان و با توجه به صراحت بند ۵۱ در مقرر داشتن مسئولیت و خسارت، تنها فایده عملی برای مدعیان در استدلال به لزوم وجود UNFCCC در مورد این موضوع، برجسته نمودن این واقعیت است که واکنش سیاست بین‌المللی در حال حاضر برای محافظت از آسیب‌دیدگان، در حوزه تقنینی و عملی ناکارآمد است و احتمالاً همان‌طور که در پرونده‌ها مشاهده می‌شود عدم کفایت خروجی UNFCCC در مورد ضرر و زیان به پرونده‌های قضایی بیشتری منجر خواهد شد. در این میان لازم است توجه داشته باشیم که عملکرد یک یا چند دولت که تلاش‌های بین‌المللی در مذاکرات آب و هوایی را تضعیف می‌کنند، قانوناً باید قابل تعقیب بوده، مرتکبان مسئول شناخته شوند (Doelle, et al. 2020: 8).

نکته دیگر اینکه برخی معتقدند پیش‌بینی و مقرر داشتن منابع مالی برای جبران ضرر و زیان تحت UNFCCC می‌تواند مانعی برای طرح دعاوی قضایی بوده، تصمیم خواهان برای تشکیل پرونده را در همان وهله اول از بین ببرد و سبب شود مدعی به مطالبه دریافت غرامت از صندوق مربوطه اکتفا کند که البته دیگر نمی‌توان این قسم را در زمره نوع‌شناسی یادشده گنجانده و باید آن را مختص جوامع توسعه‌یافته دانست. در این زمینه، حتی در مواردی که قرار بود تسهیلات مالی جدیدی برای ضرر و زیان در سطح چندجانبه مورد توافق قرار گیرد، تردیدها در مورد نحوه توزیع و دسترسی جوامع آسیب‌دیده به این وجوه سبب شد چنین تمهیداتی در سطح محلی باقی بماند. بنابراین، وقتی وجوه مورد توافق بین‌المللی، مطابق قرار منعقدشده و به اندازه کافی پرداخت نمی‌شود و دسترسی زیان‌دیدگان به وجوه پرداخت‌شده محل تردید است، باید دعاوی داخلی و منطقه‌ای را دارای نقش کلیدی در مذاکرات آتی دانست (Soanes, et al. 2019).

ناگفته نماند صندوق چندجانبه علی‌رغم مزایای یادشده، در موارد زیان‌های غیراقتصادی (مانند از دست دادن فرهنگ‌ها، سنت‌ها، زمین‌های بومی و همچنین جان و سلامت انسان) که غرامت مالی کارایی ندارد، راه‌حل مناسبی به‌شمار نمی‌آید (Serdeczny, 2019: 205). در این صورت، دعاوی قضایی کماکان در اجرای ادعاهای مربوط به حقوق زمین، سیاست‌های مهاجرت یا جابه‌جایی نقش بی‌بدیلی خواهد داشت؛ هرچند همچنان در رسیدگی به عدم جایگزینی دارایی‌های اساسی ناکام است.

۲. ارتباط دعاوی قضایی با سیاست‌گذاری اقلیمی

در ادامه، برخی از مناسبات قانونی دخیل در تقویت تأثیرگذاری دعاوی حقوقی اقلیم بر روند سیاست‌گذاری چندجانبه آب و هوایی و نیز موانع ساختاری پیش روی مدعیان این دعاوی در پیگیری دعا و استدلال در مذاکرات و در پی آن، روش‌هایی که مدافعان (مدعیان/ حامیان/ وکلا) این دعاوی می‌توانند به این وسیله پرونده را وارد UNFCCC کنند، بررسی می‌شود.

۱.۲. نقش دعاوی حقوقی آب و هوا در روند سیاست‌گذاری آب و هوایی

با بهره‌گیری از متون علمی مرتبط با دعاوی حقوقی آب و هوا، می‌توان بینش روشنی در مورد نقش بالقوه پرونده‌های دادگاه در سیاست‌گذاری تغییرات آب و هوایی به دست آورد. مطابق این تحقیقات، کند بودن روند تدوین قوانین بین‌المللی در کنوانسیون UNFCCC، سبب شده است احکام صادره از دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی در رسیدگی به دعاوی متأخر آب و هوا در سایر محاکم مورد استناد و ارجاع قرار گیرند (Asselt, et al. 2015: 24). همچنین برخی از این مطالعات، افزایش آگاهی و فشار بر دولت‌ها را تأثیر این پرونده‌ها بر فرایندهای سیاستی (غالباً در سطح ملی) دانسته (Preston, 2016: 11; Zahar, 2015: 29) و کمک به هماهنگ‌سازی سیاست‌ها را از آثار این پرونده‌ها برمی‌شمرند (Gupta, 2007: 76, 85). پرونده‌های موفق ممکن است به‌عنوان عاملی بازدارنده در دست‌کاری‌های غیراصولی آب و هوا محسوب شوند (Kosolapova, 2013: 187) و حتی می‌توان گفت صرف طرح پرونده به دموکراتیک کردن قوانین و تعیین مسیر سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی کمک می‌کند (Hunter, 2009: 370). روایتگری مطلوب در دعاوی حقوقی اقلیمی، قربانیان را در کانون توجه قرار داده، امکان اشتراک‌گذاری تجربه‌های شخصی‌شان از ضرر و زیان را به آنها اعطا می‌کند که سبب می‌شود گزارش‌های ضرر و زیان ملموس‌تر و ادبیات بحث‌ها علمی‌تر و حقوقی‌تر شده، جزئیات بیشتری از کیفیت جبران خسارت و سازگاری با تغییرات آب و هوایی و فوریت کاهش نمایان گردد که همگی در پیشگیری یا حداقل کاهش صدور آرای نادرست در محاکم و نیز منطقی‌تر نمودن مسیر تدوین قوانین آب و هوایی مؤثر خواهد بود (Hunter, 2009: 360). مجموع این مؤلفه‌ها سبب شده است دعاوی حقوقی تا به امروز نقشی فعال‌تر از کنوانسیون در زمینه‌سازی تقنین در حیطه بین‌الملل ایفا نمایند (Hunter, 2009: 372)، به نحوی که حتی اعلام تشکیل پرونده، حمایت از خواسته آن و اجبار دستگاه قضایی بر واکنش نیز تأثیر بسزایی در روال مورد بحث دارد (Hunter, 2009: 358).

البته باید گفت تقریباً تمام مطالعات (که انگشت‌شمار هستند) مدعی تأثیر پرونده‌های قضایی بر

فرایندهای سیاست بین‌المللی، مبتنی بر حدس و گمان بوده و شواهد تجربی کمی در آنها ارائه شده است. نتایج یکی از مطالعات این‌گونه بوده است که «مذاکرات اقلیمی از فشارهای خارجی تأثیر می‌پذیرد و نفوذ نمایندگان صنایع بر نمایندگان حاضر و تصمیم‌گیرندگان مذاکرات و توافقات پشت پرده آنها، مانع مخالفت با صنعت سوخت فسیلی در مذاکرات است. طرح دعوی قضایی علیه صنعت یا تهدید معتنی به می‌تواند دولت‌ها و صاحبان صنایع را به اتخاذ و حمایت از اقدامات پیشرو اقلیمی سوق داده، چارچوبی قوی برای اجرا و تبعیت قانونی ایجاد نماید» (Schwarte, 2016: 59).

علاوه بر پرونده‌های جاری، تهدید طرح دعوی قضایی در آینده نیز ممکن است سبب ایجاد انگیزه قوی در دولت‌ها برای رسیدگی به تغییرات آب و هوایی باشد (Gupta, 2007: 76, 85). «دعوی (ی ضرر و زیان آب و هوایی) چه به صدور حکمی مطلوب از دادگاه منجر شود یا نه، به افزایش آگاهی و صورت‌دهی به حرکت‌های سیاست‌گذارانه آتی کمک می‌کند» (Simlinger, et al. 2019: 180)؛ زیرا «قطعا به‌تصویر کشیدن آسیب‌های وارده به قربانیان امروز، برخلاف صحبت از تأثیرات آینده، مذاکره‌کنندگان آب و هوا و دبیرخانه UNFCCC را وادار می‌کند زودتر از موعد مقرر، روی سازگاری و جبران خسارت تمرکز و سیستم پاسخگویی به نیازهای قربانیان را تقویت کنند. در توصیفی نظام‌مند از وقایع آتی می‌توان گفت، تهدید مسئولیت مدنی حتی ممکن است صاحبان صنایع و سایرین را به سمت ترویج یک رژیم مسئولیت تحت UNFCCC سوق دهد که هم قواعد مسئولیت را روشن می‌کند و هم اساساً حدود و ثغور مسئولیت بخش خصوصی را شفاف می‌سازد. همان‌طور که چنین پیشرفتی در آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از تأسیسات هسته‌ای و نشت نفت صورت پذیرفته است» (Hunter, 2009: 366).

۲.۲. موانع ساختاری

قبل از تبیین جنبه‌های مختلف اثرگذاری دعوی قضایی بر مذاکرات چندجانبه، بررسی برخی از اشکالات ساختاری که از اثربخشی طرح پرونده‌های قضایی در مذاکرات UNFCCC و بهره‌گیری از آن می‌کاهند، ضروری است. اساساً مذاکرات یک فرایند دولت‌محور است که در آن دولت‌های عضو دستور کار را تعیین کرده، با برخورداری از حق ترجیحی اظهار نظر، تصمیمات را با اجماع اتخاذ می‌کنند (Toussaint, 2018: 765). در این مذاکرات، هم‌ترازی اعضا لازم نیست و برای مثال، مردم بومی یک منطقه (LCIPP)^۱ هم‌تراز با کشورها حق صحبت و اظهار نظر دارند. اما ناظران حقوقی علاوه بر محدودیت در امکان مشارکت، حق رأی ندارند و ممکن است بنابه درخواست طرف‌ها از جلسات حذف شوند (Toussaint, 2018: 765). نکته دیگر اینکه هیئت‌های نمایندگی کشورهای آسیب‌پذیر، به‌ویژه SIDS

1. Local Communities and Indigenous Peoples Platform

LDCها، نسبت به هیئت‌های کشورهای صنعتی بزرگ، بسیار کوچک‌تر هستند که سبب می‌شود قدرت چانه‌زنی و توانایی آنها برای شرکت در جلسات مذاکره متعدد و اغلب هم‌زمان به‌طور چشمگیری محدود شود و لذا ناظران سازمان‌های غیردولتی و هیئت‌های کشورهای آسیب‌پذیر تلاش و هم خود را مصروف جلسات پیش‌کنوانسیون یا همان جلسات تعیین دستور جلسات کنوانسیون - که غالباً محمل حضور حامیان دعوی حقوقی ضرر و زیان نیز هست - نموده، به‌ناچار از شرکت در جلسات مقارن زمانی انصراف می‌دهند.

علاوه بر این، غالباً طرح دعوی قضایی موضوعی تابو در مذاکرات آب و هوا تلقی می‌شوند (Müller, 2003: 3-4)، زیرا UNFCCC فرهنگ مذاکرات را بر مبنای نگاه غیرخصمانه و با حسن‌نیت پایه‌گذاری کرده^۱ و از زمان شروع آن در سال ۱۹۹۰ تاکنون از هرگونه بحث در مورد مسئولیت و جبران خسارت‌های آب و هوایی در آن اجتناب نموده است. در نتیجه، دعوی قضایی که اغلب مترادف با ادعای مسئولیت و غرامت در نظر گرفته می‌شود، ادبیاتی ناسازگار در این جلسات تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد بند ۵۱، علی‌رغم ممنوع نبودن طرح دعوی قضایی، چه در UNFCCC و چه خارج از آن، به این تابو دامن زده است. برخی دیگر دعوی قضایی را موجب اختلال و کُند شدن جریان مذاکرات توصیف کرده، برخی حتی حامیان این دعوی را به «بی‌توجهی به اعمال قاعده کاهش خسارات» متهم نموده‌اند. علاوه بر این، WIM هنوز یک فرایند نسبتاً جوان است و برخی از این بیم دارند که دعوی قضایی - به‌ویژه زمانی که موفقیت‌آمیز باشد - دستاوردهای مذاکره را به‌خطر بیندازد. همچنین در میان برخی از ذی‌نفعان این تصور وجود دارد که فرایند سیاست‌گذاری چندجانبه به دلیل پیامدهای حاکمیت جهانی آن، تریبون مناسب‌تری برای حمایت از ضرر و زیان در دعوی داخلی و منطقه‌ای است (Wewerinke-Singh, et al. 2020; 8)؛ زیرا هر راه‌حلی که از طریق پرونده‌های حقوقی به‌دست آید، به طرف‌های آن اختلاف محدود می‌شود، درحالی که نتایج مذاکره بر اساس UNFCCC به طیف وسیع‌تری از قربانیان آب و هوا ارائه طریقی می‌کند. در حال حاضر، چنین راه‌حل چندجانبه‌ای در افق سیاست‌گذاری وجود ندارد و در نتیجه قربانیان آب و هوا مجبورند برای طرح ادعاها و نیز احیای حقوق از دست رفته خود به «مراجع دادرسی بسیار متعدد» مراجعه نمایند (Doelle, et al. 2020: 9).

۳.۲. تقویت پیوند بین دعوی حقوقی و مذاکرات بر سر رکن ضرر و زیان

با وجود این موانع ساختاری، حامیان دعوی حقوقی به شیوه‌های مختلف موضوع را به UNFCCC

1. UNFCCC 'Decision 1/CP.1, The Berlin Mandate: Review of the Adequacy of Article 4, Paragraph 2(a) and (b), of the Convention, Including Proposals Related to a Protocol and Decisions on Follow-up' UN Doc FCCC/CP/1995/7/Add.1 (6 June 1995) para 1(g).

آورده‌اند. در ادامه، چهار روش اصلی اثرگذاری دعاوی حقوقی مربوط به ضرر و زیان بر مذاکراتِ ضرر و زیان تحت UNFCCC مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مسیرها شامل حمایت از سازمان‌های غیردولتی در رژیم آب و هوایی، به‌کارگیری دعاوی به‌عنوان استراتژی مذاکره برای کشورهای آسیب‌پذیر، مشارکت کارشناسان متخصص و ایجاد و حمایت از شبکه‌های دعاوی قضایی است. در ادامه، ضمن ارزیابی کارایی هر روش، توصیه‌هایی در مورد چگونگی تقویت تلاش‌های جاری در هریک ارائه می‌شود.

۲.۳.۱. کارکرد و نقش سازمان‌های غیردولتی

برخی سازمان‌های غیردولتی، همچون مرکز حقوق بین‌المللی محیط‌زیست (CIEL)^۱ و بنیاد حقوق و توسعه بین‌المللی محیط زیست (FIELD)^۲، دارای خبرگی و تخصص در دعاوی اقلیمی بوده، به‌طور منظم تجربیات خود را در مذاکرات آب و هوا به اشتراک می‌گذارند. برای مثال، CIEL در گذشته چندین رویداد جانبی را در مورد دعوی حقوقی آب و هوا تشکیل داده است، و FIELD پیش از COP16 در سال ۲۰۱۰ مقاله‌ای منتشر کرد که در آن محاسن و معایب دعاوی بین‌ایالتی در موضوع تغییرات آب و هوا بیان شده بود (Schwarte, 2016: 59). به همین ترتیب، دیگر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی فعال در UNFCCC از جمله صلح سبز^۳، عدالت زمینی^۴ و برنامه عدالت آب و هوا^۵، لزوم پیگیری غرامات زیان‌دیدگان را ترویج کرده‌اند. شاید مهم‌ترین سازمان غیردولتی که تا به امروز از دعاوی حقوقی حمایت کرده و آگاهی کنوانسیون را افزایش داده است، سازمان Germanwatch^۶ باشد که در نوع خود کاملاً منحصر به فرد است؛ زیرا سال‌ها به‌عنوان ناظر در مذاکرات آب و هوا شرکت کرده و همچنین در خط مقدم دعاوی قضایی ضرر و زیان قرار داشته و نیز از پرونده قضایی *Liuva* علیه *RWE* حمایت کرده است. کنش‌های این سازمان‌های غیردولتی در رویدادهای جانبی، کنفرانس‌های مطبوعاتی و نمایشگاه‌ها در COP (چه در حال انجام و چه در مرحله تصمیم‌گیری) برای ارائه و معرفی پرونده‌های جدید قابل مشاهده

1. Center for International Environmental Law
2. Foundation for International Environmental Law and Development
3. Greenpeace
4. Earthjustice
5. Climate Justice Programme

۶ Germanwatch (تاسیس شده در سال ۱۹۹۱)، یک سازمان غیرانتفاعی و غیردولتی مستقر در بُن آلمان و به‌دنبال تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی در تجارت، محیط زیست و روابط بین کشورهای شمال صنعتی و جنوب توسعه‌نیافته است. این سازمان انواع داده‌های اقتصادی و اجتماعی را برای تدوین اسناد تقنینی، اغلب با مشارکت سایر سازمان‌های غیردولتی جمع‌آوری می‌کند. محورهای فعالیت این سازمان عبارت‌اند از: تجارت در مواد غذایی و سیاست کشاورزی، تغییرات آب و هوا، و مسئولیت‌پذیری شرکت.

است. این فعالیت‌ها به میانجی‌سازی موفق در سطح جهانی برای پرونده‌ها کمک شایانی می‌کند (Maljean-Dubois, 2019: para 45). شاید اولین نمود کارکرد این سازمان‌های غیردولتی، کنفرانس دورقطنی اینویت^۱ باشد که در آنجا سازمانی غیردولتی رسماً درخواست غرامت خود را در یک رویداد جانبی در COP10 در بوئنوس آیرس در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد. این امر باعث توجه به ادعاها و نگرانی‌های این نوع سازمان‌ها، هم برای تسلیم دادخواست و هم در مذاکرات شد (Hunter, 2009: 365).

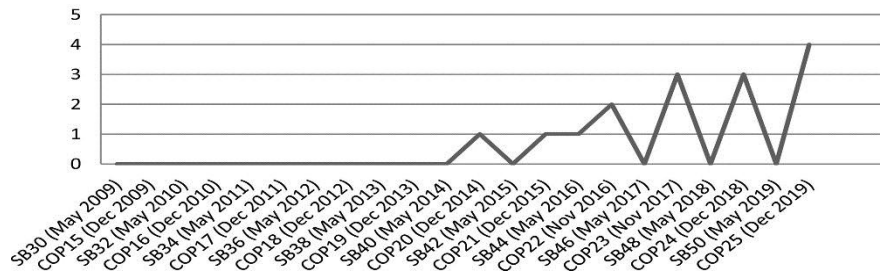
نقش تأثیرگذار چنین سازمان‌هایی را می‌توان در کنفرانس و جلسات مذاکرات دومین دوره تعهد پروتکل کیوتو هم ملاحظه کرد که طرح پرونده دعوی اقامه‌شده در ایالات متحده در صحن مذاکرات، موجب کاهش مخالفت این کشور در پرونده تصویب پروتکل شد؛ تاجایی که ملایمت ایالات متحده در همراهی با این پروتکل و تصویب آن، تا مدت‌ها دستاویز مخالفان حکومت بود (Hunter, 2009: 365). داوری موفقیت‌آمیز در پرونده/ورجندل^۲ پیش از COP21 در پاریس نیز نتیجه رخدادی مشابه بود. در این واقعه، علی‌رغم عملکرد اجرایی نه‌چندان مطلوب هلند در کشور خود، هیئت اعزامی این کشور به نشست پیش‌کنوانسیون، واکنش بسیار مثبتی از خود نشان داد که باید چنین واکنشی را نتیجه تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی به‌شمار آورد.

بررسی رویدادهای جانبی رسمی UNFCCC، کنفرانس‌های مطبوعاتی و نمایشگاه‌ها در طول COP و SBs بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که تا دسامبر ۲۰۱۴، بحث در مورد دعوی حقوقی آب و هوایی تقریباً وجود نداشته است.^۳ از سال ۲۰۱۶ به بعد، تعداد رویدادها با موضوع دعوی به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته و به بالاترین حد (چهار رویداد) در COP25 در مادرید رسیده است که (شکل ۱) مؤسسان این سازمان‌ها، همان تعداد انگشت‌شمار رویدادهای جانبی در طول COP21 و COP23 را نتیجه حضور و تلاش این سازمان‌ها و مصوبات مذاکرات را متأثر از آن و نتیجه درخواست‌های آنان می‌دانند، به نحوی که این درخواست‌ها محور مذاکرات بوده و امری خارج از آن مطرح نشده است. کمیسیون حقوق بشر فیلیپین که یافته‌های تحقیق سه‌ساله خود در پرونده *Lliuya v RWE* در مورد مسئولیت «شرکت‌های اصلی کربن» برای تغییرات آب و هوایی را در یکی از رویدادهای جانبی در COP25 ارائه کرد (Kaminski, 2019)، می‌توان مصداق بارزی از این سازمان‌ها و تلاش‌های آنها دانست. این وقایع به‌وضوح تأثیرپذیری فرایند مذاکرات از پرونده‌های قضایی را نشان می‌دهد.

1. Inuit Circumpolar Conference

2. <https://www.urgenda.nl/en/themas/climate-case/>

۳. جدای از چندین رویداد جانبی که خواستار ایجاد یک دادگاه جهانی محیط زیست یا یک دادگاه بین‌المللی در مورد عدالت آب و هوا و یک رویداد جانبی در COP20 در مورد مسئولیت و پاسخگو نمودن کشورها در قبال آسیب‌های آب و هوایی هستند که بر اجرای قانونی تحقیقات Carbon Majors بحث می‌کند، رویدادهای قبل از سال ۲۰۰۹ به دلیل دسترسی محدود داده‌ها در وبسایت UNFCCC در نظر گرفته نشده است.



شکل ۱. رویدادها و نمایشگاه‌های UNFCCC با موضوع دعوای آب و هوایی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹

علاوه بر این، سازمان‌های غیردولتی از طریق ارتباطات کتبی و توزیع خبرنامه در محل کنفرانس، آگاهی در مورد دعوی قضایی را افزایش می‌دهند. همچنین نگاهی به مطالب ارسال شده به WIM و نهادهای فرعی آن، نشان می‌دهد اغلب آنها اسناد ارائه شده از سوی کارشناسان حقوقی و سازمان‌های غیردولتی در زمینه جابه‌جایی و تأمین مالی برای ضرر و زیان در ضمن اشاره به مسئله دعوی قضایی بوده است. در خبرنامه‌ای که در جریان COP25 در مادرید در دسامبر ۲۰۱۹ منتشر شد، سازمان‌های غیردولتی کشورهای توسعه‌یافته را به دلیل کوتاهی در برعهده گرفتن مسئولیت ضرر و زیان مورد انتقاد قرار داده و معتقد بودند دعوای قضایی به حاشیه برده شده است؛ درحالی که طرح دعوا در کنار قدرت مردم حتماً به تغییرات اصلاحی منجر خواهد شد. این نوع کنش‌ها با تقیح جوانب و زوایای مغفول و نقاط تاریک دعوای قضایی، به افزایش دقت و دانسته‌های مرتبط با تدوین قوانین در مذاکرات به صورت‌دهی روند پیشبرد مذاکرات منجر می‌گردد.

این دستاوردها سبب شده است سازمان‌های غیردولتی از اولین استقبال‌کنندگان طرح دعوای ضرر و زیان اقلیمی در UNFCCC بوده، تلاش کنند با بازگو کردن داستان قربانیان و زیان‌دیدگان از تغییرات آب و هوایی و نیز تسهیل مشارکت مستقیم آسیب‌دیدگان در رویدادهای جانبی، کنفرانس‌های مطبوعاتی یا سایر گردهمایی‌ها در محل برگزاری COPها، (که فضای مناسبی برای به اشتراک گذاشتن تجربیات آنهاست)، آگاهی درباره دعوی حقوقی آب‌وهوا را افزایش داده، به توانمندسازی کسانی که بیشترین آثار نامطلوب را تجربه کرده‌اند کمک کنند (Gage, et al. 2015). در واقع، سازمان‌های غیردولتی با تکیه بر تجربه و تخصص، زمینه بیشتری برای همکاری با شرکت‌های حقوقی، محققان دعوی حقوقی آب و هوا و گروه‌های همفکر خود ایجاد کرده‌اند تا این پدیده جهانی را بیشتر نمایان کنند. همچنین آنها علاوه بر

ارائه بینش‌های عمیق در مورد آخرین دستاوردهای دعوی قضایی و تسهیل روایتگری این دعاوی، می‌تواند آموزش‌هایی را برای کشورهای آسیب‌پذیر مذاکره‌کننده در مورد نحوه استفاده از استدلال‌های دعوی در استراتژی مذاکره خود ارائه دهند.

۲.۳.۲. دادخواهی به‌عنوان استراتژی مذاکره

بررسی دعوی قضایی در UNFCCC از سوی برخی از کشورها به‌عنوان بخشی از استراتژی مذاکره در مورد ضرر و زیان مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در نشست الزامی بررسی غیررسمی WIM یک روز قبل از شروع رسمی COP25، نماینده وانواتو^۱ در بیانیه‌ای (که به‌نظر می‌رسد اولین بیانیه از نوع خود در این روند سیاسی باشد) اعلام کرد: «شکست مداوم سیاست جهانی آب و هوایی چندجانبه، وانواتو را به جستجوی راه‌های قانونی جبران غرامات اقلیمی سوق داده و قطعاً تأمین هزینه‌های حفاظت از اقلیم و جبران خسارات وارده، برعهده عاملان تغییرات آب و هواست و اگر به‌درستی به این مسئله پرداخته نشود، به‌حتم در آینده‌ای نزدیک دچار بحرانی غیرقابل جبران خواهیم شد... بنابراین، وقتی صحبت از اقدام و حمایت است، وانواتو از استفاده از کلمه جبران خسارت هراسی ندارد و آن را بر دعوی قضایی ترجیح می‌دهد. حال آیا بهتر نیست در این سری از نشست‌ها (COP) در مورد تسهیلات مالی چندجانبه ضرر و زیان تحت کنوانسیون و موافقت‌نامه پاریس تصمیم‌گیری کنیم؟ تا مجبور به طی مسیر دعاوی قضایی نگردیم؟» (Wewerinke-Singh, et al. 2020: 6).

علاوه بر این، در جلسه عمومی پایانی COP25، بان فرای^۲، مذاکره‌کننده تووالو، علیه ایالات متحده به جهت ممانعت از توافق بر سر راهبری آینده WIM، طرح دعوا کرد. فرای اعلام کرد: «میلیون‌ها نفر در سراسر جهان از آثار تغییرات آب و هوایی رنج می‌برند. انکار این حقیقت ممکن است از سوی برخی به‌عنوان جنایت علیه بشریت تعبیر شود»^۳ (Boom, 2011). رهبران دولت‌های عضو مجمع‌الجزایر اقیانوس آرام نیز در پی پیشنهاد وانواتو برای صدور قطعنامه‌ای از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خواهان صدور رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در خصوص تعهدات دولت‌ها به حمایت از حقوق نسل‌های حال و آینده در برابر تأثیر نامطلوب تغییرات آب و هوایی بر اساس قوانین بین‌المللی شدند^۴.

1. Vanuatu

2. Ian Fry

3. "Total Disconnect": Voices from Marathon Madrid Climate Summit' (Reuters, 15 December 2019).

4. Pacific Islands Forum Secretariat, 'Forum Communiqué', PIF (19)14, para 16, (16 August 2019). <https://www.forumsec.org/wp-content/uploads/2019/08/50th-Pacific-Islands-Forum-Communiqué.pdf>

در هر حال آنچه اهمیت دارد این است که این استراتژی با ترکیبی از ابتکارات قانونی و دیپلماسی می‌تواند شانس زیادی برای تسریع تغییرات دگرگون‌کننده در سطح جهانی و دریافت غرامت آسیب‌های آب و هوا ایجاد کرده، از سوی کشورهای آسیب‌پذیر به بهترین شکل مورد استفاده قرار گیرد (Wewerinke-Singh, et al. 2020: 9). ارتباط تجارب زیسته مردم از ضرر و زیان با مسئولیت از طریق یک پرونده حقوقی مطمئناً الهام‌بخش مباحث بین‌المللی معنادارتر در مورد ضرر و زیان خواهد بود، و حتی ممکن است به اقدامات بلندپروازانه‌تری برای پیشگیری و رسیدگی به آن بینجامد (Wewerinke-Singh, et al. 2020: 8). همچنین اگر دعاوی بین‌المللی از سوی یک دولت مطرح شود، بیشترین پتانسیل را برای تأثیر مستقیم بر مذاکرات خواهد داشت؛ چراکه قضاوت عادلانه و حتی یک نظر مشورتی غیرالزام‌آور از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند به روشن شدن حقوق و تعهدات کشورها کمک کند و به‌طور بالقوه موقعیت مذاکره کشورهای آسیب‌پذیر را تقویت نماید (Wewerinke-Singh, et al. 2020: 8) و لذا می‌توان تصور کرد که کشورهای آسیب‌پذیر متعددی از این ظرفیت استفاده کنند. هرچند که برخی از کشورهای آسیب‌پذیر، به‌ویژه کشورهای وابسته به کمک، ممکن است به دلیل ترس از پیامدهای دیپلماتیک، تمایلی به طرح و حمایت از دعاوی بین‌المللی نداشته باشند که البته این عدم تمایل با افزایش تحمل زیان و تأثیرپذیری از تغییرات آب و هوایی و در عین حال محرومیت از حمایت بین‌المللی موردنیاز، کاهش می‌یابد (Schwarte, 2016: 23)؛ چراکه در این کشورها برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، فرهنگ شکایت از دولت نیز جایگاهی در میان مردم ندارد و لذا طرح دعاوی داخلی ضرر و زیان هوایی از نوادر به‌شمار می‌آید.

میزان تأثیر فشار افکار عمومی بر تغییر مواضع مذاکره‌کنندگان نیز نیازمند تحقیق است و مطالعات حقوقی موجود در زمینه دعاوی آب و هوایی، تاکنون نتوانسته‌اند در این خصوص روشنگری نموده یا روش قابل اعتمادی برای اندازه‌گیری یا ردیابی تأثیر پرونده‌های دادگاهی بر فرایندهای سیاستی در سطح چندجانبه و یا حتی در سطح ملی و منطقه‌ای ارائه نمایند (Setzer, et al. 2019: 580, 3). اما روشن است که تلاش برای افزایش آگاهی شهروندان از تجارب متأثرین از تغییرات آب و هوایی و تهدیدات آتی آسیب‌های این تغییرات، زمینه تقویت نفوذ آنها را بر سیاست ملی آب و هوا فراهم کرده است، زیرا هریک از آنان به‌طور مستقل دارای قدرتی به‌عنوان رأی‌دهنده و مصرف‌کننده هستند. در حداقلی‌ترین وضعیت، ایجاد یک هجمه اجتماعی، حتی اگر به کاهش ضرر و زیان منجر نشود، لاقلاً می‌تواند افزایش تلاش‌های مرتبط با کاهش یا سازگاری را در پی داشته باشد. همچنین اعلان اکثریتی عدم تمایل به صرف مالیات پرداخت‌شده از سوی شهروندان در جبران خسارت کشورهای آسیب‌پذیر، دولت را وادار می‌کند اراده سیاسی بیشتری برای کشف منابع مالی نوآورانه که با حوزه‌های داخلی نیز تطابق بیشتری دارد، از خود نشان دهد. به همین منوال، افزایش دعاوی داخلی موفقیت‌آمیز علیه شرکت‌های بزرگ

کربن‌ساز به مرور زمان می‌تواند هزینه‌هایی بر سرمایه‌گذاران این شرکت‌ها تحمیل کند و در نتیجه سبب شود این سرمایه‌گذاران متحمل هزینه، دولت‌های خود را به اقدام به مذاکره درباره سیستم مسئولیت در قبال ضرر و زیان تحت UNFCCC ترغیب و قانع نمایند (Wewerinke-Singh, et al. 2020: 9).

۲.۳.۳. جامعه متخصص وکلای آب و هوا

یکی دیگر از شیوه‌های مهم نفوذ در مذاکرات و کنفرانس‌ها، کارشناسان حقوقی هستند که خارج از مذاکرات رسمی، نشست‌هایی تحت عنوان مجمع نظارت تشکیل می‌دهند.^۱ این نشست‌ها از سوی دانشگاهیان و متخصصان حقوقی به‌عنوان میزگردها و کنفرانس‌های متخصصان و به موازات SBS و COP برگزار می‌شوند و تحلیل جزئیات آخرین پرونده‌های دادگاه و تحقیقات دانشگاهی را به اشتراک می‌گذارند. این جلسات نیازمند دریافت مجوز از UNFCCC نیست و برای هرکسی که ثبت نام کرده و هزینه‌ای پرداخته، آزاد است. لکن به دلیل نزدیکی آنها به محل مذاکرات، مذاکره‌کنندگان و ناظران UNFCCC اغلب از آنها بازدید می‌کنند. دعوای حقوقی آب و هوا از زمان شروع مباحث آن در سال ۲۰۱۲، در Climate Law و Governance Day موضوع جلسات این گروه‌ها بوده است.

هرچند که سنجش تأثیر چنین نشست‌هایی آسان نیست، اما باید تأکید کرد که بسیاری از وکلای شرکت‌کننده در این مجامع، به‌عنوان مشاور حقوقی هیئت‌های دولتی یا مشاور حقوقی سازمان‌های غیردولتی و یا مشاور سازمان‌های بین‌دولتی نیز به‌کار گرفته می‌شوند و نقش‌های متعددی اعم از دولتی، حاکمیتی و مردمی در این حوزه برعهده می‌گیرند (Mason-Case, 2019: 645). این افراد به‌عنوان صاحبان دانش و تخصص حقوقی در حوزه‌های مختلف، از مذاکرات UNFCCC گرفته تا رژیم‌های چندجانبه و سازمان‌های بین‌المللی، نظام‌های حقوقی ملی، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات تحقیقاتی و دادگاه‌ها، از نفوذ و دسترسی منحصر به فردی برخوردارند که آنها را در موقعیت ایدئالی برای افزایش آگاهی از دعوی قضایی خارج از کنوانسیون قرار داده، این امکان را فراهم می‌آورد که افراد دخیل در مذاکرات را در خصوص اینکه چگونه از دعوا به‌عنوان استراتژی استدلال در مذاکرات در مورد ضرر و زیان استفاده کنند، راهنمایی نمایند و به‌طور خلاصه با ارائه مشاوره‌های تخصصی و تنظیم متون مورد استفاده مذاکره‌کنندگان، تأثیر فراوان بر تصمیم‌گیری‌ها خواهند داشت (Mason-Case, 2019: 633).

۲.۳.۴. شبکه‌های دعوی قضایی

استفاده استراتژیک از شبکه‌های دعوی قضایی را می‌توان یکی از سازوکارهای اثربخش در تلاش‌های

1. <http://www.climatelawgovernance.org/>

حامیان دعاوی پرونده‌های آب و هوایی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای اعمال نفوذ بر مذاکرات محسوب نمود. برخی از این شبکه‌ها از سوی سازمان‌های غیردولتی قانونی رهبری می‌شوند، و هرچند قسمت‌هایی از شرح وظایفشان با وظایف و کارکردهای سازمان‌های غیردولتی هم‌پوشانی دارد، اما رویکردهای آنها با تلاش‌های معمول سازمان‌های غیردولتی تحت UNFCCC متفاوت است. به‌طور کلی این شبکه‌ها شکایت‌هایی را آغاز می‌کنند و اغلب به وکلای دعوی در حوزه‌های قضایی مختلف آموزش و پشتیبانی می‌دهند تا الهام‌بخش پرونده‌های بیشتر شوند. پایه‌گذاری طرح شبکه دعوی حقوقی آب و هوا در سال ۲۰۱۶ از سوی وکلای اورجندا (سازمان غیردولتی)^۱، بنیاد حقوق بین‌الملل برای محیط زیست (FILE)^۲، و اتحادیه حقوق محیط زیست (ELAW)^۳ صورت گرفت^۴. این شبکه‌ها علاوه بر تقویت ظرفیت حمایت از دعاوی، به‌طور مداوم اطلاعات مربوط به دعاوی قضایی را در همه سطوح (محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) منتشر می‌کنند تا بر نتایج سیاسی تأثیر بگذارند.

همچنین این شبکه‌ها با مشارکت فعال در رویدادهای جانبی UNFCCC و پیش‌نشست‌های آن، در افزایش آگاهی مذاکره‌کنندگان کشورهای آسیب‌پذیر در مورد دعاوی نقش بی‌بدیلی دارند. برای مثال، برنامه عدالت اقلیمی (CJP)^۵ یک سازمان غیردولتی فراملیتی است که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شده و وکلا، فعالان و دانشگاهیان را با هدف ترویج و توسعه راه‌حل‌های حقوقی نوآورانه حل بحران آب و هوا گرد هم آورده است. CJP آموزش و منابعی را برای توانمندسازی وکلا در اجرای اقدامات قانونی و ارتقای دسترسی به عدالت ارائه می‌دهد و به‌دنبال افزایش آگاهی جامعه بین‌المللی در مورد عواقب تغییرات آب و هوا و اقدامات قانونی شجاعانه‌ای است که افراد و جوامع برای عدالت آب و هوایی انجام می‌دهند^۶. در راستای اهداف این سازمان، صندوق عدالت آب و هوا (CJF)^۷ در سال ۲۰۱۷ از طریق کمیته‌ای متشکل از کارشناسان حقوقی تشکیل شد که البته باید گفت این صندوق برای تأثیرگذاری بر روند چندجانبه طراحی نشده، بلکه هدف آن جمع‌آوری و مدیریت منابع برای دعاوی جدید و جاری است^۸. در واقع، همچون فعالیت‌های سازمان غیردولتی Germanwatch که در سطور پیشین مورد بررسی قرار گرفت، فعالیت CJF/CJP در راستای اثربخش نمودن تلاش‌های صورت‌پذیرفته در یک دعوی قضایی بر مذاکرات UNFCCC و تغییر روند جهانی و ملی کشورهاست (Duyck, et al. 2019; Streck, 2020: 143).

1. Urgenda

2. Foundation of International Law for the Environment

3. Environmental Law Alliance

4. Environmental Law Alliance Worldwide, 'Climate Litigation Strategies'. <https://www.elaw.org/climate>

5. Climate Justice Programme

6. Climate Justice Programme, 'How We Work'. <https://climatejustice.org.au/our-work>

7. Climate Justice Fund

8. Climate Justice Fund, 'Supporting Legal Initiatives for Climate Justice'. <http://climatejustice.fund/>

علاوه بر این، شبکه‌های دعوی حقوقی آب و هوایی که بیشتر آنها خارج از UNFCCC فعالیت می‌کنند، در پیوند با شبکه‌های حمایتی فراملی موجود در مذاکرات آب و هوایی، می‌توانند نفوذ بیشتری پیدا کنند و مدافعان دعوی قضایی را پشت صدایی واحد در فرایند چندجانبه گرد هم آورند. از طرف دیگر، می‌توان شاهد ظهور یک شبکه وکالت فراملی جدید از مدافعان دعاوی بود که تخصص خود را به اشتراک می‌گذارند و به ایجاد ظرفیت در میان کشورهای آسیب‌پذیر کمک کرده، از دعاوی قضایی به‌عنوان یک استراتژی مذاکره برای پیشبرد مذاکرات چندجانبه در مورد ضرر و زیان استفاده می‌نمایند. هرچند مزیت‌های این شبکه‌ها تاکنون مورد ارزیابی کامل قرار نگرفته است، اما تجارب چند COP در گذشته نشان می‌دهد سهم زیاد گسترش شبکه‌های دعوی حقوقی آب و هوا در تلاش چندجانبه برای جبران کردن ضرر و زیان تغییرات آب و هوایی انکارناپذیر است.

۳. نتیجه‌گیری

ضعف پاسخگویی نتایج مذاکرات چندجانبه در قبال ضرر و زیان ناشی از تغییرات اقلیمی که شکافی فزاینده بین این دو واقعیت مرتبط به هم ایجاد نموده است، می‌تواند در درازمدت UNFCCC را وارد بحران کند. درحالی که جوامع آسیب‌دیده و سازمان‌های غیردولتی مدت‌ها ناراحتی خود را از روند کند مذاکرات و فقدان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در نتایج آن ابراز کرده‌اند، روند تأثیرگذاری جنبش‌های اجتماعی فراملی که خارج از فرایند مذاکرات، سکان هدایتگری افکار عمومی در مورد بحران آب و هوایی را تصاحب کرده‌اند، بر UNFCCC آغاز شده است. بیانیه نماینده وائواتو در جریان رویداد بررسی WIM در COP25، که آشکارا اعلام کرد کشورهای آسیب‌پذیر می‌توانند برای ضرر و زیان وارد دادگاه شوند، قادر است تغییری قابل توجه در سیاست ضرر و زیان تحت UNFCCC ایجاد کند. این تغییر نشان می‌دهد که برخی از ذی‌نفعان، فعالانه تابوی طرح مباحث مسئولیت و جبران خسارت را به‌چالش می‌کشند و مذاکره‌کنندگان کشورهای توسعه‌یافته را با پیامدهای واقعی انفعالشان مواجه می‌کنند. همچنین طرح دعاوی حقوقی به طرفیت دولت یا درخواست نظر مشورتی از ICJ، به معنای تمایل به توقف مذاکرات UNFCCC نیست، بلکه درواقع تلاشی در راستای اجرای کنوانسیون و حقوق و تعهدات موجود تحت قوانین بین‌المللی خواهد بود. با وجود این، دعاوی قضایی موفقیت‌آمیز برای مسئولیت و غرامت، اقتدار و مشروعیت UNFCCC و به‌ویژه WIM را به‌عنوان یک انجمن سیاسی برای رسیدگی به ضرر و زیان به‌ویژه از دیدگاه قربانیان آب و هوا تهدید می‌کند. البته با تمام این توصیفات باید گفت علی‌رغم گسست اساسی بین مذاکرات چندجانبه و دادگاه‌ها، دعاوی حقوقی مربوط به ضرر و زیان می‌تواند نقش مهمی در روند UNFCCC ایفا کند؛ این امر می‌تواند با استفاده بهینه از قابلیت این نهاد

در تمهید فضای مناسب اشتراک‌گذاری و انتشار خواسته‌ها و تجربیات قربانیان آب و هوا و نیز ادله، لوايح و استدلال‌های مدعیان در پرونده‌هایی که در اثبات خواسته خود به موفقیت دست یافته‌اند مضاعف گردد. البته از این نکته نباید غافل شد که وجود مشکلات اساسی و ساختاری پیش روی مدافعان دعوا، همچون تابوی طرح مسئولیت و خسارت- و همراه با آن دعوی قضایی- در مذاکرات و حقوق مشارکت نابرابر، قطعاً بر کیفیت و بازدهی نتایج مذاکرات در مورد این موضوع تأثیر منفی چشمگیری خواهد داشت. در عین حال، پوشیده نیست که هرچند اندازه‌گیری تأثیر پرونده‌های دادگاه بر مذاکرات دشوار است، اما مسیرهای نفوذ مهمی نیز قابل شناسایی است که تقویت آنها بر سرعت و نتیجه‌بخشی مذاکرات خواهد افزود؛ از جمله، فعالیت سازمان‌های غیردولتی هدفمند، حمایت از هیئت‌های کشورهای آسیب‌پذیر برای استفاده از دعوی به‌عنوان راهبرد مذاکره، و افزایش مشارکت جامعه متخصص وکلای آب و هوا از طریق شبکه‌های دعوی قضایی. تحقیقات آتی می‌تواند بر بحث مسیرهای نفوذ در این مقاله با استفاده از روش‌شناسی‌های متنوع کنشگر و گفتمان‌محور، از جمله تحلیل گفتمان انتقادی و ردیابی فرایند، استوار شود.

منابع

الف) فارسی

۱. زمانیان، معصومه و حیدری، بهاره (۱۴۰۱). مدیریت آب و هوا، اصلاحات یا نابودی؛ آینده UNFCCC، *انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد*. <https://unstudies.ir/iauns-forum/> مدیریت-آب-و-هوا، اصلاحات-یا-نابودی؛-آینده-UNFCCC
۲. شاهرخی، سید نوراله و رحیمی، حبیب‌اله (۱۴۰۱). مطالعه انتقادی کثرت‌گرایی و برخی نظریات کثرت‌گرا در حوزه مبانی فلسفی مسئولیت مدنی. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۳(۲۶).

ب) انگلیسی

1. Adelle, Thomas; <https://www.un.org/en/climatechange/adelle-thomas-loss-and-damage> (Font: Times New Roman 10)
2. Advisory Opinion OC-23/17, Inter-American Court of Human Rights Series A No 23 (15 November 2017).
3. Asselt, H. van; Mehling, M; Kehler Siebert, C. (2015). 'The Changing Architecture of International Climate Change Law' in G Van Calster et al (eds), V. 1, Research Handbook on Climate Change Mitigation Law, Edward Elgar.
4. Beck, S.; Bursleson, E. (2014). 'Inside the System, Outside the Box: Palau's Pursuit of Climate Justice and Security at the United Nations', V. 3, No. 17, Transnational Environmental Law 17. 24.

5. Benjamin, L.; Thomas, A.; Haynes, R. (2018). 'An "Islands' COP"? Loss and Damage at COP23', V. 27, Review of European, Comparative and International Environmental Law.
6. Boom, K. (2011). 'See You in Court: The Rising Tide of International Climate Litigation', The Conversation.
7. Bouwer, K. (2018). 'The Unsexy Future of Climate Change Litigation', V. 30, Journal of Environmental Law.
8. Bouwer, K. (2019). 'The Holy Grail of Climate Litigation: Misses and Lessons in Private Law', Cambridge.
9. Boyd, E. et al (2017). 'A Typology of Loss and Damage Perspectives', V. 7, Nature Climate Change.
10. Brunnée, J. (2002). 'COPing with Consent: Law-making Under Multilateral Environmental Agreements', V. 15, Leiden Journal of International Law.
11. Burgess v Ontario Minister of Natural Resources and Forestry, Court File No 16-1325CP.
12. Burkett, M. (2009). 'Climate Reparations', V. 10, Melbourne Journal of International Law.
13. Campbell-Durufilé, C.; Atapattu, SA. (2018). 'The Inter-American Court's Environment and Human Rights Advisory Opinion: Implications for International Climate Law', V. 8, Climate Law.
14. CarbonBrief, 'COP25: Key Outcomes Agreed at the UN Climate Talks in Madrid' (2019).
15. Case T-330/18, Armando Ferrão Carvalho and Others v The European Parliament and the Council, ECLI:EU:T:2019:324; G Winter, 'Armando Carvalho and Others v. EU: Invoking Human Rights and the Paris Agreement for Better Climate Protection Legislation' (2020) 9 Transnational Environmental Law 137.
16. Climate Action Network, 'The Heed the People's Call Issue' (ECO Newsletter, 13 December 2019). http://www.climateactionnetwork.org/sites/default/files/eco_13.12.2019.pdf
17. Climate Justice Fund, 'Supporting Legal Initiatives for Climate Justice'. <http://climatejustice.fund/>
18. Climate Justice Programme, 'How We Work'. <https://climatejustice.org.au/our-work>
19. Comer v Murphy Oil USA, Inc. 585 F.3d 855 (5th Cir 2009).
20. Cox, R. (2016). 'A Climate Change Litigation Precedent: Urgenda Foundation v The State of the Netherlands', V. 34, No. 143, Journal of Energy and Natural Resources Law.
21. Decision 1/CP.13 (n 13) para 1(c)(iii)
22. Decision 1/CP.16 (n 14) para 26.
23. Decision 1/CP.21, para 51.
24. Decision 2/CP.19 (n 15) preambular para 4.
25. Doelle, M (2014). 'The Birth of the Warsaw Loss & Damage Mechanism: Planting a Seed to Grow Ambition?', V. 8, Carbon and Climate Law Review.
26. Doelle, M.; Seck, S. (2020). 'Loss & Damage from Climate Change: From Concept to Remedy?', No. 1, Climate Policy. <https://doi.org/10.1080/14693062.2019.1630353>

27. Duyck, S.; Lennon, E. (2019). 'A Process on the Brink of Collapse Confronts a World on the Move'. <https://us.boell.org/en/2019/12/20/process-brink-collapse-confronts-world-move>>
28. Environmental Law Alliance Worldwide, 'Climate Litigation Strategies'. <https://www.elaw.org/climate>
29. Fabius, Laurent (2016). *Reflections on the Paris Conference and Implications for 2016* (13 February 2016). <https://unfccc.int/news/laurent-fabius-reflections-on-the-paris-conference-and-implications-for-2016>
30. Gage, A.; Appadurai, A. (2015). 'Talking Climate Justice in Paris', West Coast Environmental Law. <https://www.wcel.org/blog/talking-climate-justice-paris>
31. Gewirtzman, J, et al. (2018). 'Financing Loss and Damage: Reviewing Options under the Warsaw International Mechanism', V. 18, Climate Policy.
32. Green Climate Fund, 'Project Portfolio' (2020). <https://www.greenclimate.fund/projects/dashboard>
33. Gupta, J. (2007). 'Legal Steps Outside the Climate Convention: Litigation as a Tool to Address Climate Change', 16, Review of European Community and International Environmental Law.
34. Hoffmaister et al (2014). 'Warsaw International Mechanism for Loss and Damage: Moving from Polarizing Discussions towards Addressing the Emerging Challenges Faced by Developing Countries', Loss and Damage in Vulnerable Countries Initiative.
35. <http://eco-literacy.net/glossary/polluter-pays-principle/>
36. <http://www.climatelawgovernance.org/>
37. <https://unfccc.int/topics/adaptation-and-resilience/workstreams/loss-and-damage/warsaw-international-mechanism#:~:text=The%20COP%20established%20the%20Warsaw,that%20are%20particularly%20vulnerable%20to>
38. <https://www.urgenda.nl/en/themas/climate-case/>
39. Hunter, DB (2009). 'The Implications of Climate Change Litigation: Litigation for International Environmental Law-making' in HM Osofsky and WCG Burns (eds), *Adjudicating Climate Change: State, National, and International Approaches*, Cambridge University Press.
40. International Bar Association (IBA), *Achieving Justice and Human Rights in an Era of Climate Disruption* (IBA 2014) 68.
41. James, RA, et al. (2019). 'Attribution: How is it Relevant for Loss and Damage Policy and Practice?', Springer. DOI: http://dx.doi.org/10.1007/978-3-319-72026-5_5
42. Juliana et al v United States of America et al, No 6:15-cv-01517-TC, 10 Nov. 2016, 217 F.Supp.3d 1224 (D. Or. 2016); No 18-36082, D.C. No 6:15-cv-01517-AA, 17 Jan. 2020.
43. Kaminski, I. (2019). 'Carbon Majors Can Be Held Liable for Human Rights Violations, Philippines Commission Rules', The Guardian.
44. Kosolapova, V. (2013). *Interstate Liability for Climate Change-related Damage*, Eleven International.
45. Lees, E. (2016). 'Responsibility and Liability for Climate Loss and Damage after Paris', V. 17, Climate Policy.

46. LSE Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment, 'Climate Change Laws of the World' (2020). <https://climate-laws.org/>
47. Mace, MJ; Verheyen, R. (2016). 'Loss, Damage and Responsibility after COP21: All Options Open for the Paris Agreement', V. 25, Review of European, Comparative and International Environmental Law.
48. Maljean-Dubois, S. (2019). 'Climate Change Litigation' in H Ruiz Fabri (ed), Max Planck Encyclopedia of Procedural Law, Oxford University Press.
49. Marjanac, S.; Patton, L. (2018). 'Extreme Weather Event Attribution Science and Climate Change Litigation: An Essential Step in the Causal Chain?', V. 36, Journal of Energy and Natural Resources Law.
50. Marjanac, S.; Patton, L.; Thornton, J. (2017). 'Acts of God, Human Influence and Litigation', V. 10, Nature Geoscience.
51. Mason-Case, S. (2019). 'On Being Companions and Strangers: Lawyers and the Production of International Climate Law', 32, Leiden Journal of International Law.
52. McCormick, S et al. (2018). 'Strategies in and Outcomes of Climate Change Litigation in the United States', V. 8, Nature Climate Change.
53. Milman, O. (2019). 'Greta Thunberg Condemns World Leaders in Emotional Speech at UN', The Guardian, 23 September 2019.
54. Müller, B. (2003). 'Framing Future Commitments: A Pilot Study on the Evolution of the UNFCCC Greenhouse Gas Mitigation Regime', Oxford Institute for Energy Studies
55. Nathoniel, DP. et al. (2019). 'Loss and Damage at COP25 – A Hard Fought Step in the Right Direction' <https://climateanalytics.org/blog/2019/loss-and-damage-at-cop25-a-hard-fought-step-in-the-right-direction/>
56. Native Village of Kivalina v ExxonMobil Corp 696 F.3d 849, 858 (9th Cir 2012), cert denied, 133 S Ct 2390 (2013).
57. Pacific Islands Forum Secretariat, 'Forum Communiqué', PIF(19)14, (16 August 2019). <https://www.forumsec.org/wp-content/uploads/2019/08/50th-Pacific-Islands-Forum-Communique.pdf>
58. Paris Agreement (adopted 12 December 2015, entered into force 4 November 2016) 55 ILM 740 art 9(4).
59. Peel, J.; Lin, J. (2019). 'Transnational Climate Litigation: The Contribution of the Global South', V. 113, American Journal of International Law.
60. Pekkarinen, V.; Toussaint, P.; Asselt, H. van (2019). 'Loss and Damage after Paris: Moving beyond Rhetoric', V. 13, Carbon and Climate Law Review.
61. Preston, BJ. (2016). 'The Contribution of the Courts in Tackling Climate Change', 28, Journal of Environmental Law.
62. Ralph Lauren 57 v Byron Shire Council [2016] NSWSC 169.
63. Roberts, JT. et al. (2017). 'How Will We Pay for Loss and Damage?', V. 20, Ethics, Policy and Environment.
64. Roy, J, et al (2018). 'Sustainable Development, Poverty Eradication and Reducing Inequalities' in Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), Global Warming of 1.5°C, Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781009157940.007>
65. Sabin Center for Climate Change Law, 'Climate Case Chart' (2020). <http://climatecasechart.com/>

66. Saul Luciano Lliuya v RWE (2017) 20171130 Case No I-5 U 15/17 (Oberlandesgericht Hamm).
67. Schwarte, C.; Byrne, R. (2010). *'International Climate Change Litigation and the Negotiation Process'*, Foundation for International Environmental Law and Development.
68. Schwarte, Christoph (2016). *Director of the Legal Response Initiative, interviewed in K Boom, JA Richards and S Leonard*, 'Climate Justice: The International Momentum towards Climate Litigation'.
69. Serdeczny, O. (2019). *'Non-economic Loss and Damage and the Warsaw International Mechanism'*, Part of the Climate Risk Management, Policy and Governance book series (CRMPG), Policy and Governance. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-72026-5_8
70. Setzer, J.; Byrnes, R. (2019). *'Global Trends in Climate Change Litigation: 2019 Snapshot'*, Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment and Centre for Climate Change Economics and Policy, London School of Economics and Political Science 2019.
71. Setzer, J.; Vanhala, LC. (2019). *'Climate Change Litigation: A Review of Research on Courts and Litigants in Climate Governance'*, 10, Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change.
72. Setzer, Joanna; Benjamin, Lisa (2020). *'Climate Litigation in the Global South: Constraints and Innovations'*, V. 9, Transnational Environmental Law.
73. Shahrokhi, Seyed Noorale; Rahimi, Habibollah (2022), A Critical Examination of Legal Pluralism and Some of the Pluralistic Views in the Area of the Philosophical Foundations of Tort Law; Comparative law, (26)13.
74. Siegele, L. (2017). 'Loss and Damage (Article 8)' in D Klein et al (eds), *The Paris Agreement on Climate Change*, Oxford University Press.
75. Simlinger, F. Mayer, B. (2019). *'Legal Responses to Climate Change Induced Loss and Damage'* in R Mechler et al (eds), *Loss and Damage from Climate Change*, Springer.
76. Soanes, M. et al. (2019). *'Money Where it Matters: Designing Funds for the Frontier'* (International Institute for Environment and Development).
77. Stichting Urgenda v Government of the Netherlands (Ministry of Infrastructure and the Environment), ECLI:NL:RBDHA:2015:7145, Rechtbank Den Haag, C/09/456689/HA ZA 13-1396.
78. Streck, C. (2020). *'The Mirage of Madrid: Elusive Ambition on the Horizon'*, 20, Climate Policy.
79. Total Disconnect: Voices from Marathon Madrid Climate Summit' (Reuters, 15 December 2019).
80. Toussaint, P. (2018). *'Voices Unheard – Affected Communities and the Climate Negotiations on Loss and Damage'*, 3, Third World Thematics: A TWQ Journal.
81. Toussaint, P.; Martínez Blanco, A. (2020). *'A Human Rights-based Approach to Loss and Damage under the Climate Change Regime'*, Climate Policy. <https://doi.org/10.1080/14693062.2019.1630354>
82. UN Doc A/AC.237/WG.II/Misc.13 (1991).
83. UN Doc FCCC/CP/2011/9/Add.1 (15 March 2012);

84. UN Doc FCCC/CP/2012/8/Add.3 (28 February 2013).
85. UN Doc FCCC/PA/CMA/2018/3/Add.2 (19 March 2019) Annex, para 115.
86. UN Doc FCCC/SBI/2012/INF.14 (15 November 2012)
87. UNEP, The Status of Climate Change Litigation – A Global Review (UNEP 2017).
88. UNFCCC ‘Decision 1/CP.1, The Berlin Mandate: Review of the Adequacy of Article 4, Paragraph 2(a) and (b), of the Convention, Including Proposals Related to a Protocol and Decisions on Follow-up’ UN Doc FCCC/CP/1995/7/Add.1 (6 June 1995) para 1(g).
89. UNFCCC ‘Decision 1/CP.13, Bali Action Plan’ UN Doc FCCC/CP/2007/6/Add.1 (14 March 2008) para 1(c)(iii).
90. UNFCCC ‘Decision 1/CP.16, The Cancun Agreements: Outcome of the work of the Ad Hoc Working Group on Long-term Cooperative Action under the Convention’ UN Doc FCCC/CP/2010/7/Add.1 (15 March 2011) para 26.
91. UNFCCC ‘Decision 1/CP.21, Adoption of the Paris Agreement’ UN Doc FCCC/CP/2015/10/Add.1 (29 January 2016) para 51.
92. UNFCCC ‘Decision 18/CMA.1,
93. UNFCCC ‘Decision 19/CP.18, Common Tabular Format for “UNFCCC Biennial Reporting Guidelines for Developed Country Parties”’
94. UNFCCC ‘Decision 2/CMA.2, Warsaw International Mechanism for Loss and Damage Associated with Climate Change Impacts and its 2019 Review’ UN Doc FCCC/PA/CMA/2019/6/Add.1 (15 December 2019) para 33.
95. UNFCCC ‘Decision 2/CP.17, Annex I, UNFCCC Biennial Reporting Guidelines for Developed Country Parties’
96. UNFCCC ‘Decision 2/CP.19, Warsaw International Mechanism for Loss and Damage Associated with Climate Change Impacts’ UN Doc FCCC/CP/2013/10/Add.1 (31 January 2014) para 5(a)–(c).
97. UNFCCC ‘Decision 3/CP.17, Launching the Green Climate Fund’ UN Doc FCCC/CP/2011/9/Add.1 (15 March 2012) Annex.
98. UNFCCC ‘Decision 6/CMA.2, Guidance to the Green Climate Fund’ UN Doc FCCC/PA/CMA/2019/6/Add.1 (15 December 2019) para 8.
99. UNFCCC, ‘Warsaw International Mechanism for Loss and Damage associated with Climate Change Impacts (WIM)’, <https://unfccc.int/topics/adaptation-and-resilience/workstreams/loss-and-damage-ld/warsaw-international-mechanism-for-loss-and-damage-associated-with-climate-change-impacts-wim>
100. United Nations Environment Programme (UNEP), The Emissions Gap Report 2019 (UNEP 2019) ix.
101. United Nations Framework Convention on Climate Change (adopted 29 May 1992, entered into force 21 March 1994) 1771 UNTS 107 art 4(3)
102. Urgenda Foundation v State of the Netherlands, ECLI:NL:HR:2019:2007, Hoge Raad, 19/00135 <https://uitspraken.rechtspraak.nl/inziendocument?id=ECLI:NL:HR:2019:2007>
103. Vanhala, L.; Hestbaek, C. (2016). ‘Framing Climate Change Loss and Damage in UNFCCC Negotiations’, V. 16, Global Environmental Politics.
104. Vanhala, L; Hilson, C. (2013). ‘Climate Change Litigation: Symposium Introduction’, V. 35, Law & Policy.
105. Verein KlimaSeniorinnen Schweiz et al v Bundesrat, Judgment A-2992/2017 (27 November 2018).

106. Verheyen, R.; Roderick, P. (2008). 'Beyond Adaptation: The Legal Duty to Pay Compensation for Climate Change Damage', WWF-UK.
107. Wewerinke-Singh, M.; Hinge Salili, D. (2020). 'Between Negotiations and Litigation: Vanuatu's Perspective on Loss and Damage from Climate Change', Climate Policy. <https://doi.org/10.1080/14693062.2019.1623166>
108. Yamineva, Y. (2016). 'Climate Finance in the Paris Outcome: Why Do Today What You Can Put Off Till Tomorrow?', V. 25, Review of European, Comparative and International Environmental Law.
109. Zahar, A. (2015). 'Methodological Issues in Climate Law', V. 5, Climate Law.
110. Zamanian, Masoumeh; Heydari, Bahare (200), climate management, reforms or destruction; The future of UNFCCC, Iranian Association for United Nations Studies. <https://unstudied.ir/iauns-forum/water-and-air-management-reforms-or-annihilation-future-UNFCCC/>

مقاله آماده انتشار